

به امید احیاء خلافت اسلامی

بسم الله الرحمن الرحیم

ماهنامه
لشکر خراسان

شماره اول　　محرم ۱۴۳۴ هـ

"يَخرُجُ مِنْ خُرَاسَان رَايَاتٌ سُودٌ لا يَرُدُّها شَيْءٌ حَتّى تُنْصَبَ بِإِيلِيَاء"

رواه امام احمد.

ازخراسان، بیرق های سیاهی می برآید، هیچ چیزی جلو این بیرق را گرفته نمیتواند، تاکه به اِیلیَاء (بیت المقدس) نصب کرده میشود.

صاحب امتیاز:



www.khurasan.biz

دراین شماره...

بدعت هایی که در عاشورا صورت می گیردو باید از آن دوری جست

در این روز با عظمت و مبارک مردم بدعت هایی را اختـراع نموده و مرتکب اعمال زشت و ناپسند می گشتـنـد، شـیـخ الاسلام می نویسد: شیطان بعد از شهادت حضرت حسیـنؓ توانست دو بدعت طی آن ایجاد نماید: یکی؛ بدعـت مـاتـم، عزاداری، زدن به سر وصورت، گریه و فغان، تشنگی کشیـدن، مداحی و نوحه سرایی که طی آن بزرگان صدر اسلام مـورد لعن و طعن قرار می گیرند، حتی کسانیکه در جرم شـهـادت حضرت حسینؓ دست نداشتند مورد لعن و دشنام قرار می گیرند، قصه ها وحکایتهای کاذب و دروغینی را ساخته انـد، این اعمال باعث گردید تا در میان مسلمانان اختلاف و تفرقه ایجاد گردد. ماتم گرفتن، عزاداری کردن، گریه و فـغـان بـر مردگان به اتفاق همهٔ مسلمانان جایز نیست. و اینکه بر غـم ها و مصیبتهای گذشته، ناله و فغان صورت گیرد از گـنـاهـان بزرگ بشمار میرود که الله تعالی و پیامبرشﷺ از آن مـنـع نموده اند، همچنانکه بدعت شادی و سرور در روز عـاشـورا درست نیست، پیامبرﷺ و خلفای راشدین رضی الله عنهم بعد از ایشان اینکار را سنت نگذاشته اند، پس ایـنـروز نـه روز شادی و سرور است و نه روز غم واندوه. از دیگر بدعت ها در این روز پختن حبوبات و توزیع آن بر فقرا و مساکین است. و ادعا دارند که اینکار ثواب زیـادی دارد، ولـی تشـخـیـص کارهاییکه ثواب دارد دلیل قاطع که از پیامبرﷺ ثابت شـده باشد میخواهد، لیکن دلیلی وجود ندارد پس این کار بدعت و گمراهی می باشد. و از دیگر بدعت های اختراع شده در این روز، پوشیدن لباس جدید، خرج وخـوراک خـیـلـی خـوب، خریدن ضروریات منزل، سرمه کشیدن، حنا کردن و غـسـل نمودن، دید و بازدیدها، زیارت مساجد، قبرستانها، آرامگاه هـا و دیگر بدعتهاییکه نه پیامبرﷺ، نه خلفای راشـدیـن و نـه علمای بزرگ اسلام مانند امامان چهار مذهب اهـل سـنـت وغیره این اعمال را انجام داده و سنت گذاشته اند. احادیـثـی که درین مورد ذکر است همه موضوع و ساختگی است.

همچنین تأخیر زکات تا روز عاشورا بدعت است، بطور مـثـال زکات در ماه صفر یا ربیع الاول بر او واجب می گـردد ولـی آنرا تا روز عاشورا به تأخیر می اندازد، شاید قبل از عـاشـورا بمیرد یا مفلس گردد، در اینصورت زکات بر ذمهٔ وی بـاقـی می ماند و از این بدتر اینکه تأخیر در دادن حقوق دیـگـران ظلم محسوب می گردد. پیامبرﷺ میفرماید: **وَعَنْ أَبى هُرَيـرَةَ رضى اللَّه عَنْهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: (مَطْلُ الغَنِيِّ ظُلْمٌ، وَإِذَا أُتْبِعَ أَحَدُكُمْ عَلَى مَلِيءٍ فَلْيَتْبَعْ). متفقٌ عَلَيْهِ.**

از ابوهریرهؓ روایت شده است که پیامبرﷺ فرمودند: (تأخیـر نمودن ثروتمند از ادای قرض، ظلم است. و هرگاه یـکـی از شما برای دریافت طلبش به شخص ثروتمندی حواله گردیـد، آن را قبول کند، (یعنی: اگر یکی از شما از شخصی طلبـکـار بود و آن شخص او را برای دریافت طلبش، به نـزد شـخـص ثروتمندی فرستاد، آن را قبول کند و برای دریافت طلبش به نزد آن شخص برود). از بدعت هاییکه بعضی از زنان در ایـن روز به آن اعتقاد دارند، حنا کردن است که گویا اگـر کسـی اینکار را نکرد حق عاشورا را ادا ننموده است، هـمـچـنـیـن خریدن عنبر و چوب خوش بو ودود نمودن آنکه گـویـا اگـر اینکار صورت نگیرد گناه بزرگی مرتکب شده انـد. عـجـیـب اینکه همین چوب را تا سال آینده نگه میدارند و در طـول سال از آن استفاده میکنند و معتقدند که اگـر دود و بـوی خوش آن به زندانی برسد از زندان رها خواهد شد.

همچنین اعتقاد دارند که این خوش بوئی علاج نظر ومـرض است، چنین اعتقادی خطرناک است، دلیل قاطع و مـحـکـم می طلبد، اما دلیلی وجود ندارد و این گونه اعمال را زنهـا از خودشان اختراع نموده اند. پیامبرگرامی ﷺ ارتکاب هر گـونـه بدعت در دین الله تعالی، و عمل نمودن به آن را بـه شـدت منع نموده اند. و اینرا واضح کرده اند که الله تعالی را بـایـد مطابق سنت و عملکرد پیامبرش ﷺ عبادت کـرد و نـه بـر حسب گفته و اختراعات دیگران.

عن عائشةَ رضى اللَّه عنها- قَالتْ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ : (مَـنْ أَحْدَثَ فى أَمْرِنَا هَذَا مَا لَيسَ مِنْهُ فهُو رَدٌّ). متفقٌ عليه.

وفى رواية لمسلم: (مَنْ عَمِلَ عملاً لَيسَ عَلَيْهِ أَمْرُنَا فَهُو رَدٌّ).

از عایشه رضی الله عنها روایت شده است کـه پـیـامـبـرﷺ فرمودند: (کسی که در این امر ما (اسلام و دسـتـورات آن)، چیز تازهٔ ایجاد کند که از آن نباشد، مردود است). در روایـت دیگر از مسلم آمده است: (کسی که رفتاری انجام دهـد کـه امر (دین) ما بر آن نباشد، مردود است). یعنی: هر کـاریـکـه مطابق سنت پیامبرﷺ نباشد مردود بوده و قابل قبول نیسـت.

-

پس بدعت هاییکه ذکر شد در عهد پیامبرﷺ و یارانش و در عهد تابعین وجود نداشته، بلکه بعد از شهادت حضرت حسین ﷺ در سال ۶۱ هجری ظاهر گردید، و در سال های بعد خصوصاً در عهد دولت فاطمیان اشکال مختلفی بخود گرفت و در اکثر کشور های شیعه نشین مانند ایران، عراق و بعضی مناطق مصر، لبنان، هند، پاکستان و افغانستان بشکل عجیبی انتشار یافت. عوامل اساسی انتشار این بدعت ها و امثال اینها بیخبری مسلمانان از دین، سکوت و عدم انکار چنین اعمالی است، اگر هر مسلمانی به اندازهٔ وسع وتوان خودش اطرافیانش را آگاه میکرد هرگز به این حد نمی رسید و جامعهٔ اسلامی، سالم باقی می ماند. پیامبر ﷺ امتشان را از بدعت و نوآوری در دین بر حذر داشته اند، چنانکه میفرماید: (**وإياكم ومحدثات الأمور فإن كل محدثة بدعة وكل بدعة ضلالة**). (سنن ابی داود)

(از امور نو پیدا در دین بپرهیزید، زیرا هر امر نوپیدا بدعت و هر بدعتی گمراهی است). پس برادر و خواهر مسلمان! باید در راه از بین بردن بدعت ها کوشا باشیم، و در روز عاشورا به هر مسلمانیکه آغشتهٔ بدعت است دوستانه بفهمانیم که این اعمال نادرست است و او را تشویق به ترک آن کنیم تا همهٔ ما در دنیا و آخرت رستگار گردیم.

ماتم در روزعاشورا: شیعیان در روز عاشورا ماتم و سوگواری اعلان میکنند، لباس سیاه می پوشند، اظهار غم و اندوه مینمایند، در بعضی مناطق شیعه نشین مغازه ها بسته میشود، زنان و مردان به راه ها می برآیند و خود را با زدن قمه و زنجیر زخمی می کنند، گریه، ناله و فریاد سر میدهند، با نوحه خوانی و با نثار کلمات زشت، لعن و نفرین گویا از قاتلین حضرت حسینﷺ انتقام می گیرند خلاصه در این روز اعمالی صورت میگیرد که با عقل سلیم موافق نیست و بدعت هاییکه مخالف شرع است، با روح و تعالیم اسلام سازگاری ندارد. الله تعالی و پیامبربزرگوارماﷺ به ما نفرموده اند که بر مرگ پیامبران پیشین ماتم و سوگواری نمائیم، پس چطور بر مرگ کسانیکه مرتبهٔ آنها پائین تر از انبیا است سوگواری نماییم؟! نه از پیامبر گرامی ماﷺ نقل شده و نه از مسلمانان صدر اسلام که آنها بر مصیبتی ماتم و عزا گرفته باشند.

شهادت حضرت حسینﷺ هر مسلمانی را غمگین و ناراحت می کند زیرا ایشان نوهٔ عزیز پیامبرﷺ و از سرداران بزرگ اسلام و از علمای صحابهٔ کرام بود، وی مرد عابد، شجاع و سخاوتمندی بود، ولی باید پذیرفت آنچه را که شیعه ها در روز عاشورا بخاطر شهادتش انجام میدهند نادرست است، و اکثر این کارها ساختگی است و جنبهٔ نمایشی دارد و الا پدر ایشان علیﷺ افضل و بهتر از او بود، چرا برای شهادتش ماتم نمیکنند؟! همچنین عثمانﷺ در نزد اهل سنت از علیﷺ بهتر است ولی در روز شهادتش کسی عزاداری نمی کند.

همچنین عمر ﷺ بهتر از عثمانﷺ بود ولی برای شهادت ایشان کسی عزاداری نمی کند. همچنین ابوبکر صدیقﷺ از عمرﷺ بهتر بود ولی در روز وفاتش کسی عزاداری نمی کند، از همه برتر خود پیامبرگرامی اسلامﷺ که سردار جهانیان در دنیا و آخرت است الله تعالی روحش را مانند سائر انبیاعلیهم السلام قبض کرد ولی هیچکس برای ایشان عزاداری نکرد.

بر هر مسلمانی واجب است که در وقت مصیبت از صبر و شکیبائی کار بگیرد و بگوید: (**إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ**).

تا اینکه الله تعالی و پیامبرش ﷺ از این عمل خشنود و راضی گردند. (**وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ، الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُم مُّصِيبَةٌ قَالُواْ إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعونَ**). (بقرة/۱۵۵ ـ ۱۵۶).

ترجمه: (و مژده بده به کسانی که هر گاه بلائی به آنها برسد میگویند: ما از آن خدائیم و بسوی او باز میگردیم).

پیامبرگرامی ﷺ میفرماید: (هیچ بندهٔ نیست که به مصیبتی گرفتار شود و بگوید: انا لله وانا الیه راجعون. یعنی: همانا ما از اوییم و بسوی او باز گردانندگانیم).(خدایا! مرا در مصیبتم مزد داده و برایم از او عوض بهتری بده. مگر اینکه الله تعالی او را در مصیبتش مزد داده و عوض بهتری برای او میدهد، ام سلمه میفرماید: ابو سلمه (شوهرش) وفات یافت چنانکه رسول اللهﷺ مرا امرکرده بود گفتم. الله تعالی عوضی نیکوتر از او، یعنی رسول اللهﷺ را به من داد. (مسلم)

پیامبر ﷺ از چنین اعمالی اظهار بیزاری نموده است میفرماید: (**ليس منا من لطم الخدود وشق الجيوب ودعا بدعوى الجاهلية**). (بخاری)

(آنکه بر رویش زده، گریبان پاره کند و دعاهای جاهلیت را بخواند از ما نیست).

(حقیقت عاشوری/۶۱)

شریعت کامل

۱ ـ واضح و آشکار است که خداوند ﷻ از روی مهربانی و شفقت خود، پیامبری همچون حضرت محمد ﷺ را برای جامعهٔ بشری فرستاد، تا آنان را از تاریکیها و گمراهی‌های کفر و نادانی به سوی نور و روشنایی ایمان بیرون آورد و ایشان را به راه راست رهنمود گرداند.

۲ ـ پیامبرﷺ در جامعهٔ ظهور کرد که جهل و نادانی آن را فرا گرفته بود، بت و صنم را عبادت میکردند، دختران را زنده به گور مینمودند و بدون سبب یا اینکه بر اثر وجود کوچکترین سبب دست به خونریزی می زدند، زندگی سخت و پر از مشکلاتی را سپری می‌کردند، قضاوتهای خود را به دست کاهنان و طاغوتیان می‌سپاردند.

۳ ـ خداوند ﷻ این پیامبر ارجمند را فرستاد، پیامبریکه خداوند ﷻ توسط او مردمان را از تاریکی کفر و شرک به سوی روشنایی ایمان و توحید، از تاریکی نادانی و گمراهی به سوی روشنایی علم و دانش، از تاریکی ستم و تجاوز به روشنایی عدالت و نیکوکاری، از تاریکی پراگندگی و اختلاف به سوی روشنایی اتحاد و همبستگی، از تاریکی خود محوری و استبداد به سوی روشنایی فروتنی و مشورت، از تاریکی فقر و تنگدستی به سوی روشنایی توانگری و رفاه، بلکه آنان را از تاریکی مرگ به سوی روشنایی زندگی سعادتمندانه بیرون آورد:

(أَوَ مَن كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَن مَّثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ). (الانعام/۱۲۲)

(آیا کسیکه به سبب کفر و ضلال همچون مردهٔ بوده است و ما او را با اعطاء ایمان در پرتو قرآن زنده کرده ایم و نوری از منارهٔ ایمان فرا راه او داشته‌ایم که در پرتو آن، میان مردمان راه می‌رود، چشم او را روشنائی، گوش او را شنوائی، زبان او را توان گفتار، دست و پای او را قدرت انجام کار می‌بخشد، مانند کسی است که به مَثَل‌گوئی در تاریکیها فرو رفته است و توده‌های انباشتهٔ ظلمتکدهٔ کفر او را در خود بلعیده است و از آن تاریکیها نمی‌تواند بیرون بیاید؟

همان گونه که خداوند ﷻ ایمان را در دل ایمانداران آراسته است، کفر و ضلال را در دل ناباوران پیراسته است و اعمال کافران در نظرشان زیبا جلوه داده شده است. خداوند ﷻ توسط این پیامبر ﷺ دین را کامل گرداند و اخلاق پسندیده را به درجهٔ کمال رساند، پیامبری که بندگان را به سوی عبادت خداوند ﷻ فرا خواند که هیچ شریکی را برای او قایل نشوند، با پدر و مادر خود نیکی کنند و صلهٔ رحم را به جایی آورند: (إن الله کتب الإحسان علی کل شيء). (مسلم)

(همانا خداوند نیکویی را دربارهٔ هر چیز واجب نموده است). و همچنین دستور داد که موارد اختلافی خود را به خدا ﷻ و فرستادهٔ خدا ﷻ بازگردانند و داوری را از او بخواهند. گذشتگان با توجه به شناختی که نسبت به پیام الهی داشتند، بدان چنگ فرا زدند و با کمال احترام و نهایت دقت، تعالیم آن را همراهی کردند، اما جای بسی شگفت است این‌که بسیاری از مردم این عصر از تعالیم این شریعت کامل رویی برمیتابند.

و آن را با دیگری تبدیل و یا اینکه قوانینی وضعی را بدان می‌افزایند که تناقض آن از ظاهرش هویدا است و آثار فاسد آن برای همگان واضح و روشن می‌باشد، از این رو بسیاری اوقات آن را تغییر میدهند و دیگری را جایگزین آن می‌نمایند؛ زیرا همه فکر میکنند نظریه و رأی او در خصوص مصالح و مفاسد، بهتر از نظریه و رأی قبلی است، سپس طبق رأی خود تغییرات و تبدیلاتی را در آن به وجود میآورد، و بدین‌سان تا روزی که قوانین از تراشه های افکار و زبالهٔ ذهن استمداد جوید با تغییر و تبدیل مواجه میباشد.

اما شریعت اسلامی با هر زمان و مکانی سازگاری دارد، اینک چهارده قرن بر آن می‌گذرد، اما در نهایت کمال، حقوق همهٔ طیفها را محافظت نموده و به مناسبت آن قدم فرسایی مینماید، از این‌رو میبینیم که پیروان این دین اعم از فرد، ملت و حکومت با روانی آرام و خاطری آسوده زندگی را سپری می‌کنند ـ

و محکم به قانون خود چنگ فرا می زنند، این چیزیست که هر انسان عاقل و منصفی بدان قایل است، بیگانگان و مخالفان نیز بدان اعتراف نموده‌اند. گفتنی است که در ضمن مقالات و نوشته های بسیاری از نویسندگان، چنین مفاهیمی بر میآید، واقعیت این است که برخی از مستشرقین عاقلی که در راستای بیان حقیقت و واقعیت قدم نهاده‌اند نه از برای سیاست، اعلام داشته‌اند که رشد و ترقی جدید اروپا برگرفته از نور و روشنایی اسلام میباشد، از طریق اسپانیا و از طریق کتابهایی که در جنگها از مسلمانان گرفتند، بدان دست یافتند.

قیس تیلر میگوید: اسلام از افریقا امتداد می یابد و به هر جا که برود فضایل را با خود می‌برد؛ گفتنی است که بخشش، پاکدامنی و دستگیری از نشانه های آن، دلیری و شجاعت از نتایج آن میباشد.

کونتنس میگوید: امتیاز مسلمانان نسبت به دیگران این است که آنان دارای روشی برجسته و اخلاقی شرافتمندانه می‌باشند، که وصایای قرآنی آن را در درون آن ها و اجدادشان به وجود آورده، اما سایر مردم بر خلاف مسلمانان در پرتگاهی کلی بسر می برند.

باز میگوید: از مهمترین صفات مسلمانان، عزت نفس میباشد، زیرا آنان در هر حال اعم از حالت تنگدستی و توانگری عزت را فقط از آنِ خدا ﷻ و رسول خدا ﷺ و خود میبینند. این ویژگی و صفتی که اسلام در درون پیروانش نهادینه کرده است، اگر وسایل و امکاناتی را در دست داشته باشد، همانند بزرگترین انگیزۀ آنان را به سوی اهداف تمدنی صحیح و پیشرفت‌های کامل میرساند.

هانوتو وزیر امور خارجۀ فرانسه، می‌گوید: دین اسلام دارای پایه های پابرجا و ثابت می‌باشد، تنها دینی است که این امکان را برای مردم مهیا ساخت که دسته دسته وگروه گروه بدان درآیند؛ دین اسلام همان دین با عظمتی است که باور بدان مافوق سایر باورها به ادیان دیگر میباشد، هیچ گوشه و کناری در این کرۀ خاکی یافت نمیشود، مگر این‌که اسلام بدان راه یافته و قوانین خود را در آن‌جا منتشر ساخته است.

و برخی دیگر گفته‌اند: بعد از این‌که مسلمانان از تعالیم دینی خود رویی برتافتند، نسبت به حکم و احکام آن جاهل ماندند و به قوانین متناقضی رویی آوردند که تراویدۀ عقل انسان ها بود، فساد اخلاقی در میان آنان شیوع یافت و بیماریهایی از قبیل: دروغ، نفاق، کینه و نفرت در درونشان رشد نمود، با اختلاف و تفرقه روبرو شدند، از احوال کنونی وآیندۀ خود بیخبر گشتند، نسبت به سود و ضرر خود غافل ماندند و به زندگی ای قناعت کردند که در آن بخورند، بیاشامند و بخوابند، در راستای کسب هیچ فضیلتی با هم مسابقه ننمایند، بلکه بر عکس اگر امکان داشته باشند که به کسی ضرری برسانند و از هیچ تلاشی دریغ نورزند.

سخنان آنان در خصوص اعتراف به عظمت اسلام و شمولیت آن برای عموم مصالح و جلوگیری از مفاسد بسیار فراوان است، اعتراف داشته‌اند که اگر مسلمانان به اسلام چنگ فرا زنند و آن را به صورت حقیقی اجرا نمایند، به متمدن‌ترین ملت و سعادتمندترین امت تبدیل خواهند شد، اما با توجه به این‌که اسلام را پایمال نمودند وخود نیز پایمال گشتند، تنها به نام اسلام اکتفا نمودند و به این بسنده کردند که به عنوان مسلمان خوانده شوند.

مناقب شهد العدو بفضلها
والفضل ما شهدت به الأعداء

(فضایلی هستند که دشمن به فضیلت آن گواهی داده, و فضیلت آن است که دشمن بدان اعتراف نماید).

الحمدلله؛ ما نیازی به این نداریم که آنان و امثالشان به فضیلت اسلام و جایگاه والای آن گواهی دهند، اما از اینرو آن را بیان داشتیم که امت اسلام را میبینیم نسبت به اسلام از دانش ناقصی برخوردار هستند و به طور کامل بدان عمل نمی‌نمایند، دشمنان اسلام مسایلی را در مورد اسلام می‌دانند که پیروان اسلام از آن بی‌اطلاع هستند، زیرا مصالح آن را نشناخته، به قوانین فاسد و متناقضی رویی آورده‌اند، اما دشمنان، با دید احترام به قانون اسلام می نگرند و برای آن گواهی میدهند که مافوق هر قانون بشری است؛ ـ

بدون شک دین اسلام تنها دین صحیحی است که ضامن تمامی نیازهای بشری است، مصالح آنان را تضمین کرده و مفاسد را از آنان دور ساخته، دین اسلام دینی است که با فطرت بشر سازگار است، ترقی و رشد حقیقی را برای او به ارمغان می‌گزارد، عدالت را به معنای واقعی برقرار می‌سازد، تمدن و آزادی حقیقی را به صحنهٔ وجود می‌آورد. دین اسلام دین تلاش، مجتمع، ارتباط دوستانه ، اخلاص، صداقت و دین برافراشتن پرچم دانش، صنعت، فن و حرفه است، تنها به احکام مربوط به عبادات و معاملات اکتفا ننموده است، بلکه تمامی منافع و مصالح بندگان را در گذر زمان تضمین نموده و تا روز قیامت نیز آن را ضمانت می‌نماید.

اما متأسفانه پیروان این دین نسبت به جایگاه و حقیقت دینشان نادان مانده و آگاهی چندانی از آن ندارند، بلکه بسیاری از آنان به دشمنی با آن پرداخته و کلنگ خود را بر پیکر آن می‌کوبند تا آن را ویران سازند، مسلمانان را از هم پراگنده نمایند و اهل غرب را بر مسلمانان برتری میدهند، به عقل فاسد و دیدگاه پوسیدهٔ خود فکر می‌کنند که: دین؛ آنان را به عقب انداخته است، اما بسیار بعید است که دین باعث عقب ماندگی آنان شده باشد، بلکه آنان بر اثر اعراض از تعالیم دینشان عقب افتادند، زیرا به تنبلی خو گرفتند، به جهل و نادانی قناعت نمودند و در نهایت با سرگردانی مواجه شدند.

از بزرگترین انحرافات و گمراهی‌ها این است که مدعیان اسلام اعتقاد به این داشته باشند که شریعت اسلام قوانینی را عرضه ننموده است که ضامن تمامی مصلحت‌ها باشد، مردم برای بسیاری از قضایا و مشکلات روزمرهٔ شان به قوانینی دیگر نیاز دارند، آیا چنین پنداری به عنوان توهین و تکذیب به آیهٔ زیر محسوب نمیگردد که خداوند ﷻ میفرماید:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الإِسْلاَمَ دِينًا). (الامائدة/۳)

(امروز (احکام) دین شما را برایتان کامل کردم و با عزّت بخشیدن به شما و استوار داشتن گامهایتان نعمت خود را بر شما تکمیل نمودم و اسلام را به عنوان آئین خداپسند برای شما برگزیدم).

عجب دینی! چه با عظمت و چقدر کامل است! براستی کسیکه در خصوص احکام این دین پابرجا، راستین و شریعت محمدی تأمل نماید در می یابد که هیچ عبارتی توان توصیف آن را ندارد و نمیتواند زیبایی آن را درک نماید، و همچنین درمی‌یابد که اگر عقل همهٔ عقلا به صورت کامل گرد آید باز نمیتواند چنین قانونی را پیشنهاد کند، باید گفت که برای عقل کامل و پویا کافی است که به زیبایی این شریعت اقرار نماید و در خصوص فضیلت آن گواهی دهد که تا به حال هیچ احدی نتوانسته قانونی کامل‌تر و زیباتر از آن را عرضه بدارد؛ قانون الهی یکی از بزرگترین نعمتهای خداوندﷻ برای بندگانش میباشد و نعمتی بزرگتر از این وجود ندارد که آنان را به سوی قانون خود رهنمود گردانده است وآنان را پیرو این قانون قرار داده است.

از این‌رو بر آنان منت میگذارد که راه هدایت را برایشان ترسیم نموده است: (لَقَدْ مَنَّ اللّهُ عَلَى الْمُؤمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِن كَانُواْ مِن قَبْلُ لَفِي ضَلالٍ مُّبِينٍ). (آلعمران/۱۶۴)

(یقیناً خداوند بر مؤمنان (صدر اسلام) منّت نهاد و تفضّل کرد بدان گاه که در میانشان پیغمبری از جنس خودشان برانگیخت. پیغمبریکه بر آنان آیات، کتاب خواندنی قرآن و کتاب دیدنی جهان او را می‌خواند، ایشان را از عقائد نادرست و اخلاق زشت پاکیزه میداشت، بدیشان کتاب (قرآن و به تبع آن خواندن و نوشتن) و فرزانگی (یعنی اسرار سنّت و احکام شریعت) می‌آموخت، آنان پیش از آن در گمراهی آشکاری (غوطه‌ور) بودند).

ودرخصوص تعریف نعمت خود بر بندگانش برمی آید، عظمت آن را به آنها یاد آوری مینماید و از آنان می‌خواهد که به خاطر هدایتشان به شکر و سپاس خداوندﷻ در آیند و او را شکر گویند، برخی از سلف گفته اند: عجب دینیست اگر مردانی برای اجرای آن وجود داشته باشند.

(مبانی اسلام/۱۹)

نعمت درد و رنج

درد و ناراحتی، همیشه ناپسند و مذموم نیست؛ گاهی خیر و صلاح بنده، در این استکه ناراحت و دردمند شود. زمانی انسان، دعای گرمی میکند و صادقانه به ستایش پروردگارش می پردازد که دردمند باشد.

دردمندی طالب علم و تحمل سختیهای طلب علم، او را عالم و دانشمند بزرگی خواهد ساخت. چون در آغاز سوخته است و در نهایت می درخشد. دردمند بودن شاعر، رنج و تلاش او برای آنچه می سراید، ادبیاتی مؤثر و گیرا به بار خواهد آورد؛ شعری که از دلی دردمند بر میخیزد، احساسات را تحریک میکند و دلها را به تپش می اندازد. رنج بردن نویسنده، اثر زنده، گیرا و آموزندهٔ از او بجا خواهد گذاشت. دانش پژوهی که زندگی را با راحتی و بی اعتنایی گذرانده، بحرانها، او را نیش نزده اند و دشواریها داغ خود را بر او نگذاشته اند، طالبی سست، تنبل و تن پرور باقی خواهد ماند. شاعری که درد را نشناخته، تلخی و ناگواری را نچشیده، سروده هایی انباشته از سخنان بی ارزش و پوچ خواهد داشت؛ چون اشعارش، فقط از زبانش برخاسته، از درون و ضمیرش نشأت نگرفته، قلب و اعضای او در مفاهیم اشعارش نزیسته است.

زندگی مؤمنان صدر اسلام، بالاترین و برترین نمونه و الگوست. آنانیکه در دوران فجر رسالت، زمان تولد آیین اسلامی وآغاز بعثت می زیسته اند، دارای بزرگترین ایمان، نیکوترین قلب، صادق ترین لهجه و عمیقترین دانش بوده اند؛ چون آنها درد و رنج را در زندگی تجربه کرده، در گرسنگی، فقر،آوارگی، اذیت، آزار و جدایی از چیزهای محبوب و دوست داشتنی بسر برده و همچنین دردها، زخمها، کشته شدنها و شکنجه ها را تجربه نموده اند. پس آنان، بحق انسانهایی برگزیده و پاک بوده اند، که در شرافت و پاکی نمونه هستند، رمز و نماد ازخودگذشتگی می باشند:

(ذَلِکَ بِأَنَّهُمْ لاَ يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلاَ نَصَبٌ وَلاَ مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَلاَ يَطَؤُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلاَ يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نَّيْلًا إِلاَّ كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللّهَ لاَ يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ). (التوبة/۱۲۰)

این، برای آن است که هیچ تشنگی، رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمیرسد، جاییکه کفار را به خشم میآورد و از دشمن ضربهٔ نمی بینند، مگر آنکه خداوند در ازای این چیزها برایشان عملی صالح ثبت می کند؛ بی گمان خداوند، پاداش نیکوکاران را ضایع نمیگرداند.

در جهان مردمانی هستند که آثار زیبایی از خود به جهانیان تقدیم کرده اند؛ چون آنها دردمند بوده اند. تب، متنبی را ناخوش کرده بود. آنگاه او این شعر زیبا را سرود:

وزائرتی كان بها حياء ـ فليس تزور إلا فی الظلام

آنکه به دیدار من می آید، گویا شرم وآزرم، او را فرا گرفته؛ ازاینرو جز در تاریکی شب به دیدنم نمی آید.

نعمان بن منذر، نا بغه را به قتل تهدید کرد؛ آنگاه نابغه، این شعر را به مردم تقدیم نمود:

فإنک شمس و الملوک کواکب

إذا طلعت لم يبذ منهن کوکب

تو، خورشیدی و پادشاهان، ستاره هستند؛ هرگاه خورشید طلوع کند، هیچیک از ستارگان باقی نمی ماند.

بسیارند کسانی که از خود زندگی و حیات را به جا گذاشته اند؛ چون آنها درد کشیده اند. لذا از درد؛ داد و فریاد مکن و از رنجها مترس؛ شاید این رنج و درد زمانی چند، برایت سرمایه و توانی باشد. اگر دلسوخته و دردمند زندگی کنی، بهتر از آن است که خونسرد، بی همت و بی تحرک زندگی نمایی.

(وَلَكِن كَرِهَ اللّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُواْ مَعَ الْقَاعِدِينَ). (التوبة/۴۶)

ولی خداوند، تحرک و خیزش آنها را نپسندید؛ بنابراین آنان را در جایشان بی حرکت قرار داد و به ایشان گفته شد: با آنهایی که نشسته اند، بنشینید.

یاد شاعری افتادم که با رنجها، حسرتها و درد جدایی زندگی بسر نمود و در واپسین لحظات زندگیش شعری زیبا، معروف و بدور از تکلف سرود. ـ

او، مالك بن الريب میباشد که در رثای خودش، این شعر را گفته است:

ألم ترنـــــی بعت الضلالة بالهدی
وأصبحت فی جیش اـــن عفان غازیاً

فلله دُرّی یـــــــوم أترک طائعاً
بنی بأعلی الرقمتین و مــــــالیا

یا صاحبی رحلی دنا المــوت فانزلا
برابیة إنــــــــــی مقیم لیالیا

أقیماعلـــــــی الیوم أو بعض لیلة
ولا تعجلانــــــــی قد تبین ما بیا

وخطا بـــــأطراف الأسنه مضجعی
وردّا علی عینــــــی فضل رائیا

ولاتحسدانی بـــــارک الله فیکما
من الأرض ذات العرض أن توسعالیا

آیا نمی بینی که گمراهی را در برابر هدایت فروختم و از جنگجویان حاضر در لشکر ابن عفان گشتم؟

آفرین بر من روزی که فرزندانم را با میل خود رها میکنم در حالی که برایشان دو اسب نشاندار و مال و دارایی ام را بجا گذاشته ام.

ای دو نفری که همراهم هستید! بر تپه ای فرود بیایید؛ مرگ، نزدیک شده و من چند شبی رحل اقامت خواهم افکند.

امروز یا قسمتی از یک شب در کنارم باشید و مرا شتابزده نکنید؛ چون وضعیت من، مشخص است.

با نوک نیزه ها آرامگاهم را بکَنید و قسمت اضافه ردایم را بر پیشانیم بیندازد.

خدا به شما خیر و نیکی دهد؛ از کندن جایی گشاده در زمین برای من دریغ نورزید.

و تا آخر، این صدای لرزان و فریادی که حکایت از داغدیدگی و مصیبت زدگی می نماید، از دل داغدیدهٔ این شاعر اندوهگین، بر میآید. (فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا). (الفتح/۱۸)

پس الله تعالی آنچه را که در دلهایشان هست، دانست و آرامش را بر آنان فرود آورد و به پاداش آن، پیروزی نزدیکی به آنها داد.

لا تعذل المشتاق فـــــــی أشواقه
حتی یکون حشاک فــــــی أحشائه

مشتاق و دلباخته را به خاطر علاقه هایش سرزنش مکن؛ تو زمانی حالت او را درک می کنی که غوغایی که در درون اوست، در درون تو باشد.

دیوان شاعرانی را دیده ام که سرد و بی روح هستند؛ چون آنها اشعارشان را سست و بدون اندوه و رنج سروده اند. از اینرو به صورت قطعه ای از یخ و انباشته ای از خاک عرض اندام کرده اند.

تألیفاتی را در زمینه موعظه و سخنرانی دیده ام که هیچ احساسی در شنونده برنمی انگیزند و اصلاً او را تکان نمی دهند؛ چون بدون سوز، گداز و بدون درد و رنج می باشند: (یقولون بأفواههم ما لیس فی قلوبهم).

آنان با دهانهایشان (زبانهایشان) چیزهایی میگویند که در دلهایشان نیست.

اگر می خواهی مردم، تحت تأثیر سخن یا شعرت قرار بگیرند، قبل از دیگران در آتش سخن و شعرت بسوز، تحت تأثیر آن قرار بگیر، طعم آن را بچش و در مقابل آن واکنش نشان بده، آنگاه می بینی که شعر و سخنت، در مردم اثر میگذارد.

(فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاء اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ). (حج/۵)

وقتی آب را بر آن فرو فرستادیم، تکان خورد و از هر جفتی گیاهی زیبا رویاند.

(غم مخور/۹۷)

داستان مسلمان شدن عمر بن خطاب رضی الله عنه

عمرﷺ یکی از صنادید (در دوران جاهلیت به کسی گفته میشد که دارای شجاعت و ثروت میبود) قریش بود و در آغاز امر، از اسلام بیزار و متنفر بود، پیامبر ﷺ و مسلمانان را اذیت میکرد.

این قول خود عمر بن خطاب ﷺ است که برخی از اذیتهای دوران جاهلیت خود را که نسبت به رسول خدا ﷺ بعضی از مسلمانان اعمال داشته است، بازگو میکند. او میگوید: من از سرسخت‌ترین مردمان نسبت به رسول خدا ﷺ بودم! در یک نیمروز گرم تابستانی در یکی از راههای مکه میرفتم، ناگهان مردی از قریش با من برخورد کرد و گفت: کجا میخواهی بروی ای ابن خطاب؟! گفتم: میخواهم چنین و چنان کنم (یعنی محمد را بکشم) گفت: از تو تعجب میکنم ای ابن خطاب که میبینم این امر وارد خانواده ات شده، حال تو میگویی چنان میکنم؟! گفتم: جریان چیست؟ گفت: خواهرت مسلمان شده است. حضرت عمر ﷺ گفت: خشمناک بازگشتم و در را کوبیدم و این در حالی بود که هنگامی یک یا دو نفر مسلمان میشدند، نادار و فقیر میبودند، پیامبرﷺ آنها را به آن مردی می سپرد که و ضعیت مالی بهتری داشت و آن دو نفر از مازاد طعام وی بهرمند می شدند. و پیامبر ﷺ دو مرد را به شوهر خواهرم پیوست داده بود. هنگامیکه در را کوبیدم، گفتند: کیست؟ گفتم: عمر بن خطاب. آنگاه آنها سریعاً خود را از من مخفی کردند و خواهرم برخاست و در را برویم باز کرد.

گفتم: ای دشمن جان خودت، آیا از دین خودت منحرف شده ای؟ و با چیزی که در دستم بود، بر سرش کوبیدم. آنگاه خون جاری شد، هنگامیکه خواهرم آن خون را دید، گریه کرد و گفت: ای ابن خطاب آنچه را که انجام میدهی، انجام ده، من از دین شما منحرف شده ام! این داماد وی و پسر عمویش سعید بن زید است که بعضی از اذیتهایی را که حضرت عمرﷺ به او وخواهرش، دختر خطاب کرده است، بازگو میکند. او میگوید: ای کاش میدیدی که عمر من و خواهرش را بخاطر اسلام آوردن چگونه اذیت میکرد، آنگاه که هنوز مسلمان نشده بود. (صحیح بخاری، مناقب الانصار/ ۳۸۶۲،۳۸۶۷)

بخاطر عداوت شدید حضرت عمرﷺ با اسلام و مسلمانان، اذیت وی نسبت به آنها و مسلمانان بعید میدانستند که وی مسلمان شود. از عبدالله بن عامر بن ربیعه از مادرش لیلی، روایت شده است او گفت: حضرت عمر بن خطاب، از همه مردم به مراتب با من بخاطر مسلمان شدنم دشمن تر بود! وقتی آماده شدیم به سرزمین حبشه هجرت کنیم، حضرت عمر بن خطابﷺ آمد، در حالیکه من بر روی شترم بودم و میخواستم به جانب حبشه حرکت کنم گفت: کجا میروی ای مادر عبدالله؟ گفتم: شما در ارتباط با دینم من را اذیت کردید، لذا هم اکنون به سرزمینی میروم که در آنجا اذیت نشوم. گفت: خدا همراهتان باشد! سپس رفت. آنگاه همسرم عامر بن ربیعه آمد و من آنچه را که از نرم شدن عمر دیده بودم، برایش تعریف کردم، گفت: آیا امید داری که او مسلمان شود. بخدا مسلمان نمیشود تا هنگامیکه خر خطاب مسلمان شود. (ابن اسحاق/۶۲)

از ابن عمر رضی الله عنهما روایت است که گفت: پیامبر ﷺفرمود: (**اللهم اعز الاسلام باحب هذین الرجلین الیک: بأبی جهل أو بعمر بن الخطاب**) ـ (خدایا اسلام را با محبوب‌ترین این دو مرد در نزد خودت، قوی و عزتمند ساز: (با ابوجهل یا با عمر بن خطاب) پس محبوب ترین آنها در نزد خدای عزوجل حضرت عمر بن خطاب بود. علاوه بر این، وضعیتی برای حضرت عمرﷺ پیش آمد که در آن آیاتی از قرآن را شنید. آنگاه مبهور بلاغت و اعجاز آن شد، دانست که قرآن کلام الله تعالی است و قول هیچ انسانی نیست و بعد از شنیدن آن، مسلمان شد.

از حضرت عمرﷺ روایت است که میگوید: (یک بار قبل از آنکه مسلمان شوم، به منظور تعرض به رسول خدا ﷺاز خانه بیرون شدم. دیدم که ایشان قبل از من به مسجدالحرام آمده است. پشت سرش ایستادم. قرائت سورۀ حاقه را آغاز کرد: آنگاه کم کم از تألیف و پدیدآوری قرآن متعجب شدم و گفتم: بخدا این شاعر است همانگونه که قریش، گفته است. آنگاه پیامبر ﷺآیات زیر را تلاوت کرد: (**إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ، وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤْمِنُونَ**). (**الحاقة/ ۴۰ ـ ۴۱**)

این قرآن از سوی خدا آمده است وگفتاری است که از زبان پیغمبر بزرگواری به نام محمّد، پخش و تبلیغ می‌شود. وسخن هیچ شاعری نیست چنان که شما گمان می‌برید، اصلاً شما کمتر ایمان می‌آورید، به دنبال حق و حقیقت می‌افتید. گفتم: کاهن است فرمود: (**وَلَا بِقَوْلِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ، تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ، وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضَ الْأَقَاوِيلِ، لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ، ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ، فَمَا مِنكُم مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَاجِزِينَ، وَإِنَّهُ لَتَذْكِرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ**). (**الحاقة/ ۴۲ ـ ۴۸**)

وگفتۀ هیچ غیبگو و کاهنی نیست، اصلاً شما کمتر پند می‌گیرید، بلکه کلامی است که از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است، اگر پیغمبر پارۀ سخنان را به دروغ بر ما می‌بست، ما دست راست او را می‌گرفتیم، سپس رگ دلش را پاره می‌کردیم، و کسی از شما نمی‌توانست مانع این کار ما در بارۀ او شود و مرگ را از او باز دارد)، مسلّماً قرآن پند و اندرز پرهیزگاران است.

حضرت عمر﷜ گفت: آنگاه اسلام کاملاً در دلم جای گرفت. از عبدالله بن عمررضی الله عنهما روایت است که او میگوید: هنگامیکه عمر﷜ مسلمان شد، گفت: چه کسی از قریش، از همه آنها بیشتر سخنان را انتقال میدهد؟ به او گفته شد: جمیل بن معمر جمحی، لذا حضرت عمر﷜ صبحگاه پیش او رفت. (حضرت عمر﷜ هنگامیکه مسلمان شد، میخواست که اسلام آوردنش را آشکار کند، لذا دنبال کسی میگشت که از همه قریش بیشترخبرها را اعلان میکرد، آنگاه او را به جمیل رهنمائی کردند، این بود که حضرت عمر ﷜ صبحگاه به سوی او رفت و اسلام خود را به او خبرداد) عبدالله گوید: و من هم صبحگاه دنبال او افتادم و آنچه را که انجام میداد، نگاه میکردم، این در حالی بود که من پسر بچۀ بودم که هر آنچه را که میدیدم، میفهمیدم.

تا اینکه نزد او آمد و به او گفت: ای جمیل! آیا دانستۀ که من مسلمان شده‌ام، و وارد دین محمد ﷺگشته ام؟! گوید: بخدا جمیل به او پاسخی نداد تا اینکه برخاست و ردایش را کشید و به راه افتاد و عمر﷜ هم دنبالش افتاد و من هم دنبال او افتادم. هنگامیکه به در مسجد رسید، با بلندترین صدایش فریاد زد: ای جماعت قریش! در حالیکه آنها پیرامون کعبه در انجمنهای خود بودند ـ آگاه باشید که ابن خطاب از دین شما منحرف شده است.

عبدالله گوید: عمر هم از پشت سرش میگفت: دروغ میگوید. اما من مسلمان شده ام. و شهادت داده ام که هیچ خدایی نیست جز الله و اینکه محمد رسول الله تعالی است و آنها بر حضرت عمر﷜ هجوم آوردند، پیوسته با هم زدوخورد کردند تا اینکه خورشید بالای سرشان ایستاد تا ظهر (راوی)گوید: حضرت عمر﷜ خسته شد و نشست و آنها در کنارش ایستادند، در حالیکه او میگفت: هرچه که به نظرتان میآید، انجام دهید، به الله تعالی سوگند میخورم که اگر ما سیصد نفر می‌بودیم، یا آن کعبه را برای شما رها میکردیم، یا شما آن را برای ما ترک میکردید.

(راوی) گوید: در حالیکه آنها در آن وضعیت بودند، ناگهان پیرمردی قریشی که عبایی بلند و پیراهنی رنگارنگ به تن داشت، پیدا شد، تا اینکه بالای سر آنها ایستاد. و گفت: شما چه کار به او دارید؟ گفتند: عمر منحرف شده است. گفت: از او چه میخواهید؟ مردی است که چیزی برای خود انتخاب نموده، شما چه میخواهید؟ بنظر شما بنی عدی که تیره و عشیرۀ عمر بن خطاب هستند شما را به حال خود وا می گذارند اگر شما به او آسیبی برسانید یا بخواهید او را بکشید؟ کاری به این مرد نداشته باشید! (ابن اسحاق/۱۶۴)

از ابن مسعود﷜ روایت است که میگوید: از زمانی که حضرت عمر ﷜ مسلمان شد، ما پیوسته عزتمند بودیم، قبل از اینکه عمر﷜ مسلمان شود، ما حتی نمیتوانستیم در کعبه نماز بخوانیم، هنگامیکه عمر ﷜ مسلمان شد، با آنها مبارزه کرد، تا جاییکه ما را رها کردند تا نماز بخوانیم. (بخاری)

نکته ها و عبرتها: ۱ ـ برانسان مسلمان واجب است از اماکنی که فتنه های زیاد در آنجا روی میدهند، دوری نماید و بر او واجب است از مکانیکه در آن نمیتواند عبادت پروردگارش را انجام دهد، به مکانی که در آن میتواند الله تعالی را عبادت کند، شعایر اسلام را در آن ظاهر و نمایان سازد، هجرت کند.

۲ ـ بر انسان مسلمان واجب است، در راه الله تعالی اذیت را تحمل کند و در این راستا، پیامبر ﷺو یارانش را بعنوان الگو و سرمشق خود قرار دهد، از حال و وضعیت بسیاری از افراد ضعیف الایمان خود داری کند. همان کسانی که با کوچکترین اذیت و ناراحتی بعضی از واجبات شرعی مانند امر به معروف و نهی از منکر را کنار میگذارند و چه بسا، بخاطر آن، بعضی از کارهای حرام را هم انجام دهند.

۳ ـ دعا کردن از الله تعالی بزرگترین سلاحی است که انسان مسلمان بدان پناه میبرد، لذا بر انسان مسلمان واجب است که علاقمندانه بکوشد. تا اسباب اجابت را فراهم آورد و از موانع آن اجتناب ورزد، مانند خوردن مال حرام، ترک امر به معروف و نهی از منکر؛ زیرا از پیامبر ﷺثابت شده که فرمود: (**مروا بالمعروف وانهوا عن المنكر قبل ان تدعوا فلا يستجاب لكم**) ـ (قبل از اینکه دعا کنید و دعایتان مستجاب نشود، به معروف و نیکی امر کنید و از منکر و بدی باز دارید). به همین خاطر هنگامیکه پیامبرﷺویارانش این اسباب را فراهم آوردند و از آن موانع دوری گزیدند، الله تعالی دعای آنها را قبول فرمود. اما امروزه که مردم در کسب و کار های حرام تساهل بخرج میدهند، از امر به معروف و نهی از منکر قصور و کوتاهی نموده اند، مگر کسانیکه مورد مرحمت الله تعالی قرار گرفته اند و این کار را انجام میدهند، دعای بسیاری از آنها قبول نشده و نمیشود.

۴ ـ بر دعوتگر لازم است، در رابطه با کسانیکه آنها را دعوت میدهد، هم صبر و حوصله داشته باشد و هم در این کار استمرار و تداوم ورزد، از هدایت آنها نا امید نشود و در عین حال در مقام دعا از الله تعالی بخواهد که آنها را به راه درست و حق هدایت دهد.

۵ ـ در این جریان عظمت این قرآن و اعجاز آن نمایان شده است. همان اعجازیکه پیشوایان فصاحت و بیان را مبهوت و متحیر ساخته و کاری کرد که لجوج ترین دشمنان اسلام با قناعت و رضایت تمام عیار به این دین وارد شوند. چنانکه در این جریان، قوت و صداقت ایمان عمر﷜ آزمایش او در راه دین الله، قوت و توان وی در حق ظاهر و نمایان است. البته که این مورد موجبات عصبانیت دشمنان صحابه و کسانی که افضل این امت هستند، (از رافضه و دیگران را فراهم میسازد). با این خصوصیات و دیگر خصوصیات عمر ﷜ استحقاق آن را یافت که بعد از ابوبکر﷜ افضل و برتر این امت شود!

(داستان اسلام صحابه/۲۳)

مصاحبه ها

هدایت الله:

اداره: برادر عزیز! در قدم نخست تشریف آوری تان را به ادارهٔ جندالله خیرمقدم میگویم؛ وثانیاً خواهشمندم که خود را معرفی نمائید؟

مهمان: نحمده ونصلی علی رسوله الکریم اما بعد! اسم من هدایت الله از ولایت کندز میباشم.

اداره: برادر مجاهد! به شما چه چیز باعث شد که راه جهاد را انتخاب نمودید؟

باعث آمدن من درجهاد این است که کفار ملعون، انواع واقسام تمسخر ها را به قرآن ما و به پیغمبر ما ﷺ روا داشتند، به نوامیس امت تجاوز کردند و عفت مادران و خواهران اسلامی را زیر پا نمودند، غیرت وشجاعت ایمانی و اسلامی من قبول نکرد که گوشه نشینی را انتخاب نموده در خانه آرام بشینم، ودرین راه مقدس برآمدم تا انتقام قرآن، پیامبر ﷺ و برادران را بگیرم.

اداره: برادر مجاهد! شما به کسانیکه امروز در راه جهاد بیرون نمی آیند، به ویژه علماء که حقیقت و فرضیت جهاد را دانسته بازهم جهاد نمیکنند، چه گفتنی دارید؟

الله تعالی مهربانی میکند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَتَّخِذُواْ آبَاءكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاء إَنِ اسْتَحَبُّواْ الْكُفْرَ عَلَى الإِيمَانِ وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ). (التوبة/۲۳)

(ای مؤمنان! اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دادند، آنان را دوست نگیرید.

این حکم قطع پیوند ولایت و دوستی میان مؤمنان و کفار است که تا روز قیامت باقی است و هر کس از میان شما آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمکارانند، بر خود، بر مؤمنان و بر دین و شریعت خداوند متعال؛ حکم به ستمکار بودن آنان دلیل برآن است که: دوستی با کفار، از بزرگترین و سنگین‌ترین گناهان است.

در بیان سبب نزول آمده است: این آیهٔ کریمه و آیهٔ بعد از آن، دربارهٔ سرزنش متخلفان از هجرت و برانگیختن مؤمنان بر ترک بلاد کفر نازل شده است و مؤمنانی را که پدران و برادران شان در کفر باقی مانده بودند، از موالات با آنان که نوعی تائید از آنان تلقی می‌شود نهی کرد.

وهمچنان رسول الله ﷺ میفرمایند: عَنِ ابْنِ عُمَرَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وسلم: (مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ). ابوداود

از عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت است، که میفرماید: رسول ﷺ فرمودند: (کسیکه خود را به یک قوم تشبیه میدهد، پس او از جملهٔ ایشان است).

امروز ما مشاهده مینماییم، که اکثر مردم خودشان را مسلمان میگویند، ولیکن رفتار، کردار وگفتار شان مشابه کفار است، ودر امور زندگی خویش از کفر تقلید مینمایند. لباس شان لباس کفری است، و بالخصوص منافقان فعلی زیاد تر به این کار اهمیت و ارزش میدهند. الله تعالی مرحمت میکند: (وَمَن يَتَوَلَّهُم مِّنكُمْ فَأُوْلَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ).

وکسیکه از میان شما (مسلمانان) ایشان (کفار) را به دوستی میگیرند، پس ایشان به نفس هایشان ظلم کردند، یعنی در مقابل نعمت های ابدی آخرت معیشت چند روزهٔ دنیا وفساد دنیا را انتخاب کرده اند.

و در آیهٔ بعدی الله تعالی مهربانی میکند: (قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَآؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُم مِّنَ اللّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُواْ حَتَّى يَأْتِيَ اللّهُ بِأَمْرِهِ وَاللّهُ لاَ يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ). (التوبة/۲۴)

(بگو: اگر پدران، پسران، برادران، زنان و عشیرهٔ شما (عشیره شخص، نزدیکان نسبی او هستند) و اموالی که کسب کرده‌اید و تجارتی که از هلاکی آن خوف دارید (مراد از کساد اموال در اینجا: -

عدم فروش آن به سبب فوت وقت بخاطر هجرت و مفارقت از وطن، یا به سبب مقاطعه کافران با مؤمنان است) و منزلهایی که میپسندید (یعنی: آنها را خوش داشته و بدانها بسیار مائلید و همیشه دست اندرکار رسیدگی به آنها و تجهیز اسباب و اثاثیهٔ آنها هستید تا پیوسته دل پسند و زیبا باشند.

بلی! اگر این چیزها (نزد شما از الله تعالی و پیامبرش ﷺ و جهاد در راه وی محبوب تر است) به‌طوری که با مشغول شدن به آنها از حق خداوند ﷻ واجرای اوامر وی، هجرت و جهاد در راه وی غافل مانده اید، پس منتظر باشید تا الله فرمانش را به اجرا درآورد (عذاب و مجازاتی را که مقتضای مشیت وی است، محقق گرداند)، الله گروه فاسقان را هدایت نمی کند (زیرا کسانیکه آنچه را که ذکر شد، از خدا ﷻ و رسول وی ﷺ دوست‌تر داشته و به جهاد در راه وی تمایل نداشته باشند، فاسق اند و سزاوار هدایت نمی‌باشند.

این آیهٔ کریمه، انذار و هشدار بزرگی است برای کسانیکه با پیش کردن عذرها و بهانه های بیهوده، از جهاد تخلف می‌کنند، که این گروه در عصر ما فراوان اند! چقدر غافل و از خود راضی اند مسلمانانیکه از خداوند ﷻ طمع‌ها، انتظارات دور و درازی دارند، در حالیکه خود سزاوار عذاب وی ﷻ می باشند؟! پناه میبرم برخدا از خشم و عذاب وی. در حدیث شریف آمده است: (آن‌گاه که مال را به مبلغی بیشتر از قیمت حقیقی آن به نسیه معامله کردید [معامله عینه] و آنگاه که دُم گاوان را گرفتید (کنایه از حکومت ستم و جور است) و آنگاه که به کشاورزی راضی شده و جهاد در راه خدا ﷻ را ترک کردید، بیگمان خداوند ﷻ بر شما ذلتی را مسلط می‌گرداند که تا به دین خویش برنگردید، قطعا آن را از شما دور نمیکند.

ای برادران! امروز شما خود را در فتنه و فساد واقع کرده اید، جهاد در راه الله تعالی را ترک نموده اید، ودر کار های ناشایسته خود را مشغول ساخته اید، و دعوی میکنید، که ما امت رسول الله ﷺ هستیم، و در روز محشر شفاعت رسول الله ﷺ را نیز امید دارید، امروز رسول الله ﷺ توهین کرده میشود، و کتابی که به وی ﷺ نازل شده است بیحرمت میگردد، شما در مقابل آن، چه عکس العمل نشان دادید، در حالیکه رسول الله ﷺ مهربانی میکند:

عن عَبْدِاللَّهِ بْنِ هِشَامٍ ﷺ ا ل نَّبِيِّ ﷺ وَهُوَ آخِذٌ بِيَدِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ، فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، لأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِلاَّ مِنْ نَفْسِي، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: (لا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ، حَتَّى أَكُونَ أَحَبَّ إِلَيْكَ مِنْ نَفْسِكَ (فَقَالَ لَهُ عُمَرُ: فَإِنَّهُ الآنَ وَاللَّهِ، لأَنْتَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ نَفْسِي)، فَقَالَ النَّبِيُّ ﷺ: (الآنَ يَا عُمَرُ). (بخاری)

ترجمه: عبدالله بن هشام رضی الله عنه میگوید: ما همراه نبی اکرم ﷺ بودیم در حالیکه ایشان دست عمر بن خطاب رضی الله عنه را گرفته بود. عمر رضی الله عنه عرض کرد: ای رسول خدا! شما نزد من از هر چیز دیگری جز خودم، محبوبترید. نبی اکرم ﷺ فرمود: (نه، سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست تا زمانیکه من نزد تو از خودت هم محبوبتر نباشم)، (به کمال نخواهی رسید). عمر رضی الله عنه گفت: سوگند به خدا که شما اکنون برای من از خودم هم محبوبترید. نبی اکرم ﷺ فرمود: (اکنون ای عمر)، (به کمال رسیدی).

برادران! بیائید به خود وبه حقیقت اسلام خود فکر نمائیم، از الله تعالی حقیقی تقوی نمائیم، از قرآن، از اسلام و از پیغمبر خود صادقانه دفاع نمائیم، وبه توطئه های دشمنان اسلام ومنافقین فریفته نشویم، امروز برای مسلمانان غیر از راه جهاد ومقاومت دیگر راه باقی نمانده است، یگانه راه؛ راه جهاد است که خون، مال وجان مسلمانان از تجاوز طاغوتان زمانه محفوظ میمانند.

محمد منیب:

اداره: برادر عزیز! به ادارهٔ جندالله، خوش آمدید، در قدم نخست خود را معرفی نمائید؟

اسم من منیب باشندهٔ ولایت تخار ولسوالی بنگی.

مجاهد عزیز! باعث آمدن شما درین راه چیست؟

من به بخاطر ادای مسؤلیت بندگی وانتقام رسول الله ﷺ وقرآنکریم، راه جهاد را انتخاب کردم، تا باشد این کارم سبب کامیابی مسلمانان مستضعف وهمچنان سبب خروج برادران، خواهران و مادرانی گردد که در زندانها به دست دشمنان اسلام اسیر هستند. وهمچنان با این کار خود میخواهم در بلند کردن پرچم توحید و حاکم گردانیدن قانون الله تعالی نقش داشته باشم.

اداره: برادر عزیز! شما بعد از اخذ تعلیمات نظامی به کجا فرستاده شدید؟

من بعد از اخذ تعلیمات نظامی بنا به فرمان مسئولین به ولایت خود(تخار) فرستاده شدم. بعد از رسیدن در منطقه با برادران مجاهد خود بشکل مخفی عملیات جهادی را آغاز نمودیم.

اداره: مجاهد عزیز! معاملهٔ مردم منطقه نسبت به مجاهدین چگونه بود؟

در ابتداء مردم محل با مجاهدین تعارف نداشتند، ولی کسانیکه مارا میشناختند واز فعالیت های ما خبر داشتند، بشکل پنهان ما را کمک میکردند. همچنان ما از کسانیکه توقع داشتیم که به ما انصاری کنند، طلب همکاری نمودیم، اما ایشان انواع عذر ها را پیش نمودند. از قبیل ناگواری وقت وخرابی اوضاع منطقه وغیره...

اداره: برادر عزیز! شما درمدت عملیات های جهادی در آنجا چه دست آورد های داشتید؟

الحمد لله؛ برادران مجاهد، در مدت چند ماه به إذن الله تعالی عملیات های گستردهٔ را انجام دادند، وامور جهادی را به حسب طاقت بشری شان مؤفقانه پیش بردند، اما بعضی از امور جهادی ما درنتیجهٔ فعالیت های افراد استخبارات حکومت وجواسیس منطقه، خنثی میشد.

اداره: برادر عزیز! زیادتر کدام چیزها سبب آشکار شدن امور جهادی میشود؟

درقدم اول عدم همکاری مردم محل و در قدم دوم فعالیت افراد استخبارات حکومت مزدور افغانستان، که این کار سبب اسارت مسؤل ما نیز شد. و بعد از اسارت این برادر، ما منطقه را ترک گفتیم؛ تا برادرانیکه در آنجا بطور مخفی فعالیت مینمایند دچار مشکلات مشکل نشوند.

اداره: برادر عزیز! شما که درمدت چند ماه فعالیت، مشکلات ومشقت های فراوانی را متحمل شدید، همکاران شما شهید واسیر گردیدند؛ اکنون به برادران مجاهد چه نصیحت دارید؟

مجاهدین باید درامور جهادی از احتیاط کامل کار گیرند، درصورت عدم احتیاط ازطرف افراد استخبارات مورد تعقیب قرار گرفته دچار مشکلات میشوند. وهمچنان برادران مجاهد باید درهر کار ازمشوره کار گیرند ودرامور مهم ازمجاهدینی که تجربه دارند، مشوره بخواهند.

اداره: برادر مجاهد! به امت اسلام و خصوصاً کسانیکه در خواب غفلت هستند، جهاد نمیکنند و یا که از جهاد امروزی انکار میکنند، چه گفتنی دارید؟

گفتنی من به ایشان اینست که از خواب غفلت بیدار شوند و امروز جهاد از دیدگاه قرآن و حدیث فرض عین است، تقاریر و دعوت های علمای حقانی را گوش نمایند که آنها چه میفرمایند. ای مسلمانان! تابکی در خواب میباشید. و ای کسانیکه مزدوری کفار را میکنید و به کفار جاسوسی میکنید، خوب بفهمید، که امریکا همیشه ماندنی نیست، انشاءالله قانون الله جل جلاله و رسول وی ﷺ حاکم میگردد، بیایید توبه کنید، و در راه الله تعالی جهاد نمایید، اگرجهاد نمیکنید، حد اقل دست به اعمال جاسوسی نزنید. جزاک الله خیراً

ازشهدای امت:

شهید عبدالعزیز رحمه الله

شهید قاری نورالحق (عبدالعزیز) رحمه الله فرزند امان الله از ولایت تخار ولسوالی بنگی.

این برادر نوجوان یک طالب هوشیار، پرهیزگار، شجاع، وخوش اخلاق بود، خلق نیک وی همه را به شگفت آورده بود، وی حافظ قرآنکریم بود، علوم دینی را تا درجۀ سوم پیش برده بود، در دوران تحصیل خویش یک بار به عصر کنونی نظر اندازی نمود، که امروز یهود ونصاری ممالک اسلامی را تحت استعمار خود در آورده و بالای ملت مظلوم و رنجدیدۀ مسلمانان جهان از هیچ نوع ظلم و ستم دریغ ننموده و ایشان را به خاک و خون کشاندند، از طریق افلام جهادی حالات مسلمانان مظلوم عراق، فلسطین، صومال، چچین، بوسنیا، برما، پاکستان، افغانستان و غیره کشورهای اسلامی را مشاهده نمود، که صلیبی های وحشی دین اسلام را تمسخر نموده و رسول معظم اسلام صلی الله علیه وسلم را توهین کرده و به نوامیس مسلمین تجاوز نمودند، در محبس های گوانتانامو، ابوغریب، پلچرخی، بگرام و محبسهای پاکستان؛ مادران، خواهران و زنان با عفت امت اسلام تحت شکنجۀ عساکر صلیبی و همکاران مرتد داخلی شان قرار دارند.

ایمان، شهامت و جوانی وی تقاضا نکرد که ظلم و بربریت صلیبی های وحشی را تحمل نموده در مدرسه آرام زندگی نماید، همین بود که به ندای مادران وخواهران اسلامی لبیک گفته عزم خویش را قاطع نموده به صفوف مجاهدین پیوست، و در وزیرستان تعلیمات نظامی را فراگرفت و بعداز فراگیری تعلیمات، به افغانستان برگشته به جهاد خویش ادامه داد و مدت چند ماه علیه مزدوران داخلی جهاد نموده ضربات سنگینی را به ایشان وارد کرده بود، سرانجام روز یکشنبه بتاریخ ماه محرم سال ١٤٣٤ هـ بعداز قتل یک کار مند استخبارات حکومت مزدور افغان، تحت کمین ملیشه های محلی قرار گرفت و یک قومندان ملیشه ها را با یک محافظش مردار نموده و دراخیر خودش نیز در تیر باران متقابل به شهادت رسید. اناالله وانا الیه راجعون

شهید شکرالله رحمه الله

شهید شکرالله (ذوالفقار) رحمه الله فرزند محمد عثمان ازولایت فاریاب ولسوالی المار.

این برادر یک جوان با احساس، حلیم، با تقوی و دارای اخلاق حمیده بود، وی علوم دینی را در مدارس دینی تا در جۀ موقوف علیه رسانده بود و همیشه آرزو مینمود که تحصیلات خویش را به پایۀ اکمال برساند اما وضعیت کنونی تقاضا نکرد که وی به دروس خویش ادامه دهد، در حالیکه کفار با متحدینش بالای ممالک اسلامی هجوم آورده وکشورهای اسلامی را تحت اشغال خود قرار داده، قانون اسلامی را از بین برده ودرعوض آن قانون کفری و دموکراسی را قائم نموده سد راه تنفیذ شریعت اسلامی گردیدند.

و همین طور عزت، شرافت، حریت و یکپارچگی مسلمانان را برهم زده، حجاب مادران و خواهران با حیاء را از رویشان برداشته بی حیا و بی عفت نموده وسر انجام اقتصاد کشورهای ایشان را علیه ایشان به مصرف رسانده مسلمانان واقعی را به عذاب های گوناگون تعذیب نمایند.

همین بود که کمر همت را بسته دروس خویش را متوقف نمود ودر صفوف مجاهدین پیوست و چند مدت را با مجاهدین سپری نمود، بعداز آن به دست دشمنان اسلام اسیر گردیده چهار سال را در زندان تاریک افغانستان سپری نمود. بعد از رهائی از زندان، عازم وزیرستان شده تعلیمات نظامی (اسلحه و متفجرات) را فرا گرفت و پس از فراگیری تعلیمات نظامی ازطرف امراء منحیث مسؤل به ولایت فاریاب فرستاده شد و درآنجا به فضل الهی عملیات جهادی را آغاز نموده چند ماه فعالیت نمود، بالآخره نظربه قضا و قدر الهی روز جمعه به تاریخ ١٦ محرم ١٤٣٤ هـ ق درنتیجۀ حملات طیاره های اشغالگران با ٣ برادر مجاهد دیگر به شهادت رسیدند.

إناالله وإنا إليه راجعون.

وصیت شهید محمد طاهر فاروق رحمه الله

رسول الله ﷺ چند روز قبل از وفاتش؛ صحابۀ کرام رضوان الله علیهم اجمعین را خطاب نموده گفت: اگر من به کسی ظلم نموده باشم، یا حق کسی را نداده باشم ویا به جان، مال و آبروی کسی ظلم کرده باشم، حق شان را از من بگیرند، البته این قصۀ معروف است که همه میداند.

اینچنین من هم شما (مجاهدین) را خطاب نموده میگویم که اگر در حق کسی ظلم کرده باشم، و یا مال کسی را غصب نموده باشم و یا آبروی کسی را ریزانده باشم همچو رسول الله ﷺ به شما عرض مینمایم که از من حق خود را بگیرید، ومن به این کار راضی هستم اما در روز قیامت نگذارید که تحمل آنرا ندارم.

چنانچه مشاهده مینمائیم که از رمضان قبل تا به این رمضان بسیاری از برادران ما شهید شدند، به ما معلوم نیست که تا رمضان آینده چه کسی زنده وچه کسی شهید میشود، بدین لحاظ از شما التماس مینمایم که هیچ چیز را رعایت ننموده حق تان را بگیرید، و فردا روز قیامت به حضور رب العالمین جواب گفتن بسیار مشکل است، ومن هم آرزوی شهادت را دارم اکنون چهارده سال است که درآرزوی شهادت بسر میبرم.

اما این قول رسول الله ﷺ مرا همیشه در خوف می اندازد که میفرماید: "تمام گناه شهید بخشیده میشود مگر قرض". این فرصت را الله تعالی برایم عطا نموده ممکن فردا زمینه برایم مساعد نباشد، این سخنانم را بخاطر ریاء نه، بلکه خاص بخاطر الله میگویم، خواه کوچک باشد و یا بزرگ، مسئول باشد ویا غیر مسئول از من حق شان را بگیرند، هیچ یک تان از من خجالت نشوید، و لیکن در روز قیامت نگذارید، من میخواهم که به پروردگار خود با قلب پاک روبرو شوم.

بسیار برادران شهید شده از یکدیگر جدا شدند ولیکن من نمیخواهم که بادل پر از کینه و حسد از همدیگرجداشویم، در آنصورت قلبم درد مند میشود که یک برادر در قلب خود بغض وکینه را جا داده به دیگران برساند.

برادران مجاهد! در قلوب تان هیچ چیزی از کینه نماند، بشکل آشکار برایم بگوئید. چونکه این را رسول الله ﷺ به اصحاب خود تعلیم داده بود، ما به الله تعالی و به روز آخرت ایمان داریم، جای خیلی ها شکر است که چند سال به شما سرپرستی کردم لیکن به شما، به شهدای امت خیانت نکرده و به کفر دست نداده ام، قسم به ذات اقدس که در خانۀ خود یک روپیۀ بیت المال را مخفی نکرده ام، کسی باور نکند منحیث هیئت خانه ام را تفتیش کند. ولیکن هر انسان خطا کار هست، اگر کسی از شما را خفه نموده باشم ببخشید. در غیر آن، حق خود را از من بگیرید، من بسیار کس را دره زده ام ولیکن این کار را بخاطر نفس خود نکرده ام بلکه بخاطر اصلاح مجاهدین کرده ام. و به اولاد شهداء و مجاهدین توجه کامل داشتم، تا که آیندۀ ایشان خراب نشود، و مقصد من این بود که اولاد مجاهدین و مهاجرین ثواب وثمرۀ جهاد و هجرت شان را ببینند. هفتاد سال قبل دو ملیون مهاجر ازدیار شان هجرت کرده بودند، ولیکن امروز بخاطر حصول دنیا در اروپا و امریکا میگردند و فرزندانشان بی حیاء شده رفتند.

الحمد لله همۀ ما به الله تعالی ایمان داریم و در روز قیامت به پروردگار خود روبرو میشویم، قسم به الله تعالی؛ هرکدام شما بالای من حق داشته باشید، امروز بگیرید، و در فردا میندازید، من این را از ترس آخرت میگویم، امروز و یا فردا شهید شوم آرزوی این را مینمائید اما میسر نمیشود. دیروز قومندان جمعه بای، ابو عبدالرحمن و علی طلحه با ما بودند، اگر من هم شهید شوم این جهاد به شما امانت است، و این راه را ترک نکنید، شما سوابق کاری نیک دارید.

بقیه در صفحۀ بعدی...

نصیحت شهید ذوالفقار رحمه الله:

الحمد لله رب العالمین والصلاة والسلام علی المبعوث رحمة للعالمین محمد وعلی آله وصحبه أجمعین ـ اما بعد:ـ قال الله تبارک وتعالی:

(يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ). (تحریم/۹)

سومین ندای حق تعالی، خطاب به پیامبر ﷺ است: (ای پیامبر! با کافران جهاد کن) با شمشیر و انواع سلاح و جنگافزار؛ و جهاد کن با منافقان به حجت و برهان و برپا داشتن حدود بر آنان زیرا آنان موجبات حدود را مرتکب می‌شوند و بر آنان درشتی کن یعنی: بر منافقان در دعوت و فرمان دادنشان به شرایع و قوانین اسلام از شدت کار بگیر و با کفار با سلاح بجنگ. از اینرو رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به طرد برخی از منافقان از مسجد امر نمودند در حالیکه میگفتند: بیرون رو ای فلان! بیرون رو ای فلان! و این عذابشان در دنیا است وجایگاهشان در آخرت دوزخ است و دوزخ چه بد مرجعی است.

وقال رسول الله ﷺ (الجهاد ماض الی یوم القیامة).

ای برادران عزیز! در راه الله و رسول الله ﷺ بیرون شوید، و بخاطر بر افراشتن لواء توحید؛ جهاد و مبارزه نمائید، و رسول الله ﷺ در وقت تولد "امتی" گفته به دنیا آمده است و در وقت وفات نیز "امتی" گفته دارالفانی را وداع گفته است، امروز پیغمبر ما توهین میشود و قرآن ما بی حرمت میشود و هزاران برادر و خواهر ما از سوی دشمنان اسلام تجاوز میشوند، بناءً بر ما واجب است که انتقام آنها را از دشمنان سفاک اسلام بگیریم، الحمد لله امروز در سرتاسر جهان جهاد ادامه دارد و مجاهدین موجود است و به کافهٔ مسلمانان جهان فرض عین است که امروز برای دفاع از دین و ناموس خود بیرون شوند، ونصیحت من بر شما این است که قول رسول الله ﷺ را بگیریم، که وی ﷺ به ما بسیار خدمات زیادی را انجام دادند، پس ما به رسول الله ﷺ امت واقعی شویم، و به سنت های وی ﷺ عمل نمائیم تا در روز محشر در تحت پرچم رسول الله ﷺ قرار بگیریم و از شفاعت وی ﷺ محروم نباشیم.

شما به امیرالمؤمنین ملامحمد عمر مجاهد حفظه الله بیعت داده اید، شما در بر پائی خلافت اسلامی مستحق هستید و فلسطین را فتح نمائید، لیکن من از همهٔ شما راضی هستم، چونکه شما مجاهدین نسبت به برادران نسبی ام برایم محبوبتر هستید، برای دفاع دین اسلام جان های خود را قربان کرده اید، در روز های سخت و مشکل با ما بودید، من الله تعالی را گواه نموده میگویم که شما "رجال" هستید.

مجاهدین ماوراءالنهر، از سنهٔ ۹۲ تا به امروز صدها بلکه هزارها تن از اقارب خود را دراین راه شهید داده اند. انشاء الله خون شهداء به هدر نمیرود من در حق هریکی از شما دعای خیر مینمایم و هریک شما را به الله تعالی امانت میگذارم. بیاد داشته باشید، کسیکه جهاد را ترک کند خوار وذلیل میشود، امروز یک و نیم ملیون امت اسلام خوار وذلیل اند که سببش ترک جهاد است.

برادران! امروز ما مجاهدین و مهاجرین در بین امت اسلام مانند جامهٔ سفید هستیم در جامهٔ سفید اثر اندک خوب معلوم میشود. بیائید حزب الرحمن باشیم و صفت حزب الرحمن را به خود بگیریم، از گناه بترسیم. در زبان ما همیشه ذکر الله تعالی باشد، قرآنکریم را بسیار تلاوت کنیم، به الله تعالی استغفار بگوئیم، وقتیکه به دشمن روبرو میشویم ذکر الله تعالی را بسیار نمائیم. کبر وغرور را در قلب خود جای ندهیم، تا کنون یک منطقه را فتح نکرده ایم، دشمنان خود را بد نگوئیم، الله تعالی بسیار ملت های بد وظالم را بالای ملتهای خوب غالب کرده اند، روس ها وکمونیست ها از مسلمانان خوب بودند؟ خوب نبودند، بت پرستان هندوستان از مسلمانان خوب بودند، غالب شدند، این حال امت است.

سبحانک الهم وبحمدک اشهد ان لا اله الاانت
استغفرک واتوب الیک برحمتک یا ارحم الرحمین.

انصارالاسیر

عدنان رشید مسجون سابق در زندان بنو

نحمده و نصلی علی رسوله الکریم، اما بعد: قال رسول الله ﷺ : (فک العانی).

ای اسرای اسلام؛ ای برادران و خواهران اسلامی من که به خاطر رضای الله تعالی در زندانها به سرمیبرید ومشکلات های آن را متحمل میشوید!

السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته؛

الحمد لله؛ الله تعالی به فضل و کرم خویش برایم رهایی عطا نمود، بعداز رهائی از اسارت، فضل، کرم و احسان الله تعالی را فراموش نکرده ام. بعداز رهائی از زندان با امراء مجاهدین ملاقات نمودم و در نزد ایشان درمورد شما اسراء صحبت نمودم، همت و غیرت ایشان در مورد شما بسیار عالی بود؛ و من بسیار خوشحال شدم، ایشان برایم گفتند: که ما در رهائی اسراء اسلام نسبت به تو زیادتر فکر میکنیم.

بعد از این جلسات ما مجاهدین سرزمین خرسان یک پلان منظم و وسیعی را روی دست گرفتیم که بنام انصار الأسیر بوده و دراین پلان مقصد اول ما رهائی شما اسراء است به هرطریقه و وسیلهٔ که باشد. مقصد دوم نظم و ترتیب داخل و خارج زندان، اهل و خانوادهٔ اسراء، تفکر در مورد ضروریات وحاجات شما اسراء.

مقصد سوم ما اینست که از دشمنان، انتقام شما را بگیریم، از هرفرد پولیس، آی اس آی، فوجی، محافظین و ملازمین محبس ها، افسران و یا جاسوسانی که شما بواسطهٔ آن گرفتار شده اید و آنانیکه خانواده و والدین شما را اذیت میکنند، و کسانیکه تا امروز همراه شما از رویه و اخلاق سوء کار گرفتند، شما نام و آدرس ایشان را به ما بدهید، که ما به هر طریقهٔ که باشد، انشاء الله انتقام شما را میگیریم، و این وعدهٔ ما است.

پس بدین لحاظ ایجنسی های مخفی پاکستان به اغوا کردن



مجاهدین دست دارند، آنها هزاران خانواده را بی خانه کردند، و زهر را توسط امپول زرق مینمودند، و جسد ایشان را نیست و نابود میکردند، همین سلسله را ایجنسی های پاکستان شروع کردند، ما آنها را آگاه میسازیم که اگر این سلسله را بند نکنند و این طور شهادت مجاهدین را توقف ندهند، خوب بفهمند که عاقبت ایشان به إذن الله از این بدتر میشود، پس ما؛ افسران و ملازمین محبس ها را هشدار میدهیم که همراه اسرای ما رویهٔ نیک نکنند، پدر، مادر و برادران ایشان را تکلیف دهند، باید از عملیاتیکه بالای محبس لاهور راه اندازی گردید، عبرت بگیرند. (طارق بابر، نورالحسن بگیلا، صوبه خان) مسئولین محبس پنجاب هستند، واین محبس بدترین محبس زمانه به شمار میرود. و در صوبه سرحد (نعیم خان، زاهد خان و غیره افسران خبیث) را تنبیه میدهیم که همهٔ ایشان در قتل مجاهدین داخل اند. قوت ونیروی اسلام را امروز، یا فردا و یا یکروز دیگر به شما نشان خواهیم داد.

پس ما؛ به برادران خود میگوئیم که فرصت را غنیمت بشمارید، از الله تعالی حقیقی تقوی کنید، توسط اعمال صالحه زندگی خود را مزین سازید و قرآنکریم را زیاد تلاوت نمائید. و این موقع خوبی بر شما است.

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمه الله میفرماید: (مایفعل عذائبی) دشمنانم با من چه معامله مینمایند؟

جواب: اگر ایشان مرا بکشند شهید میشوم، اگر زندانی کنند، با رب خود ارتباط خود را قایم نموده وی را عبادت مینمایم واگر مرا از وطن بیرون کنند، قدرت الله تعالی را تماشا میکنم و به سیر و سیاحت، وقت میسر میشود.

برادران عزیزم! هیچ یک اینها به ضرر شما نیست. اگر در زندان باشید این برای شما بهترین موقع است، اگر بکشند شهید میشوید. ـ

صبر و حوصله نمائید، و بدانید که شما در لیست کسانی هستید که در آسمان بخاطر الله تعالی و به خاطر اسلام بند هستند، و به شما ضرور است که نماز شکرانه ادا نمائید. و نوجوانانیکه بخاطر الله تعالی در محبس ها بسر میبرند، بسیار عزت بزرگ دارند، زیرا که ایشان به خاطر الله تعالی زندانی شده اند؛ واین را بدانید، که شما مانند مردم عام نیستید، و این گونه مردان را الله از میان مردم عام خارج نموده در آسمان به فهرست مقربین نوشته است.

دریکی از روزها یک دوست زندانی ام در زندان برایم گفته بود، که در روز قیامت الله تعالی از بندگان خود پنج سوال میکند: از جمله یکی آن جوانی است.

انشاءالله ما در جواب میگوئیم که به خاطر رضای تو در زندان سپری نمودیم.

ای برادران زندانی ام! به شما کدام پریشانی نباید که جوانی شما مقبول است، خواب کردن شما هم عبادت است، و وقت سپری کردن شما در آن جا نیز عبادت است، انشاءالله فتوحات و نصرت های الهی قریب است، (نصرمن الله وفتح قریب وبشرالمومنین) اسلام ...

مجاهد عبدالحکیم تاتار:

سپاس فراوان مر خدای یکتا را، درود و سلام بر خاتم پیغمبران محمد مصطفی ﷺ، بر آل و اصحاب او باد.

برادران و خواهران عزیزم! السلام علیکم و رحمة الله وبرکاته!

با استفاده از فرصت میخواهم در بارهٔ حالت شکستهٔ امت اسلام صحبت نمایم؛ امروز تعداد امت اسلام از صدها ملیارد زیاد تر اند، لیکن بخاطر سربلندی کلمهٔ الله تعالی کوشش نمیکنند.

ای برادران اندک فکرنمائید! برادران و خواهران اسلامی ما در زندان های دشمنان اسلام حیات بسر میبرند، در صورتیکه حالات ایشان را فکر نماییم از چشمان ما به عوض اشک خون میریزد، امت اسلام با وجودی کثرت شان در مورد دفاع از اسلام و آزادی اسرای اسلام حرکت نکردند.

چنانچه الله تعالی میفرماید: (وَمَا لَكُمْ لاَ تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاء وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَّنَا مِن لَّدُنكَ نَصِيرًا). (النساء/۷۵)

و چرا شما در راه خدا و در راه نجات مردان، زنان و کودکان مستضعف نمیجنگید آنانیکه می‌گویند پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون آر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یاوری برای ما تعیین فرما.

از ابوهریرة رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: (واللهُ فی عَوْنِ العَبْدِ مَا كَانَ العَبْدُ فی عَوْنِ أَخِيهِ). (ابوداود)

الله تعالی در یاری بنده است، مادامی که او در یاری برادر خود باشد.

ای مسلمانان! چرا برادران و خواهران مظلوم خود را کمک نمیکنید؟ اندک فکر کنید، اگر با ایشان در محبس ها پدر و مادر، برادر و خواهر نسبی شما باشند، تحمل کرده میتوانستید؟ در پاکستان هفت هزار خواهر اسلامی ما به خاطر دفاع از حقوق اسلامی خود علیه حکومت مرتد پاکستان قیام نمودند، این حکومت بی دین، ایشان را زیرپا نموده بعضی ایشان را اسیر و بعضی دیگر را شهید کردند، و شعار ایشان این بود که در دنیا بغیر از الله تعالی کسی نیست که عبادت کرده شود.

زمانیکه در زندان بودم، دیدم که دشمنان اسلام بالای اسرای مسلمین از هیچ گونه ظلم و استبداد دریغ نمیکنند، ای برادران اسلام! و قتیکه من در ممالک کفری بودم دوست و دشمن را فرق کرده نمیتوانستم و برشما ضرور است که بخاطر شناختن دوست و دشمن، حق و باطل هجرت نمائید، بعداز هجرت حق و باطل، دوست و دشمن را میشناسید و نیز زندگی اسلامی حاصل میکنید.

دوست و دشمن را در وقت مشکلات بیازمائید، هنگامیکه در زندان بودم مشاهده کردم که حکومت پاکستان با امریکا متحد شده علیه مسلمانان میجنگند، من درک نمودم که این هردو طاغوتانی اند که درجنگ علیه مجاهدین شرکت دارند. ـ

برادران اسلام! شما بخاطر عالی گردانیدن پرچم توحید چقدر کوشش نمودید؟ و در مورد این سوال فکر نمائید؛ بلی! ما ادعا میکنیم که مسلمان هستیم و لیکن از اسلام دفاع نمیکنیم، امروز آزاد کردن کشورهای اسلامی که در تحت استعمار کفار قرار دارند وآزادی برادران و خواهران اسلامی که در تحت شکنجۀ عساکر صلیبی اند، ضروری است.

الحمد لله؛ ما مجاهدین چندماه قبل در زندان مشهور پاکستان بنام بنوجیل یعنی زندان بنو حمله نمودیم، برادران و خواهران مظلوم خود را آزاد ساختیم. البته محبوسین زندان را مجاهدین؛ افراد ملکی و زنان تشکیل میدادند، ایشان در حال خروج از زندان بسیار خوشحال به نظر میرسیدند.

زندان های کفار از اسیران مسلمانان مملو میباشند.

امید وتوقع زندانیان بعداز الله تعالی ما مجاهدین هستیم. لازم است تا بخاطر رهائی ایشان سعی وتلاش نمائیم. الحمدلله؛ الله تعالی برایم جهاد در راه خود را میسر نمود، من ایمان کامل دارم که بدون ارادۀ الله تعالی هیچ کسی به ما ضرر رسانده نمیتواند، من هم در زندان مدتی را سپری نموده به فضل الله تعالی رها شدم و با مجاهدین پیوستم.

ای برادران اسلام! شما که در کشور های کفری زندگی میکنید، هجرت نمائید، و دست اتحاد را با هم داده علیه کفار جهاد نمائید، برادران و خواهران خود را از اسارت نجات دهید؛ جزاکم الله خیراً.

مجاهد ابو ابراهیم "آلمانی" :

برادران عزیز! دین و عقیدۀ ما اطاعت کامل میخواهد، باید دوستی بخاطر خدا ودشمنی بخاطر خدا بین مسلمین برپا گردد. به عبارت دیگر به آن چیزی محبت کنیم که الله تعالی آنرا دوست دارد و از آن چیز نفرت کنیم که الله تعالی از آن نفرت دارد، و از آن اعمالی که الله تعالی ناپسند قرار داده پرهیز نمائیم و اعمالی را انجام دهیم که نزد الله تعالی محبوب باشد.

در عصر کنونی اشخاصی را می بینیم که قرآن تلاوت میکنند، نماز میخوانند، روزه میگیرند، و لیکن باکسی دوستی میکنند که الله تعالی از آن ها نفرت دارد، و از کسانی نفرت دارند که الله تعالی آنها را دوست دارد، البته این عمل سبب نارضایتی و غضب الله تعالی میشود. پس ما به تمام اسرای اسلام درهر جاکه هستند، میرسانیم که ایشان را ازصمیم قلب فقط بخاطر الله تعالی دوست داریم.

ای برادران زندانی ام! الله تعالی و رسول وی ﷺ ما را امر میکند که به شما محبت داشته باشیم. و به هرطریقۀ که ممکن باشد شما را از قید آزاد نمائیم و اگر آزاد کرده نتوانستیم انشاء الله از مجرمین انتقام شما را میگیریم و اگر به انتقام گرفتن قادر نشویم، در حق شما دعای خیرمینمائیم.

ای برادران مجاهد! باید به اسرای اسلام، نسبت به برادر و اولاد توجه بیشتر داشته باشیم، باید ما در بارۀ ایشان فکرنمائیم.

ای اسرای عزیز! ما شما را فراموش نکرده ایم، چگونه شمارا فراموش مینمائیم درحالیکه شما درد قلب ما هستید؛ وحوادثی که بالای شما میآید میشنویم که در دنیا نظیر ندارد، صبر، استقامت و ایمان شما برای ما درس عبرت ودرس عزیمت میدهد، با وجودیکه تمام مصیبتهای دنیا را تحمل کرده اید ولیکن به الله تعالی ورسول وی ﷺ و به امت اسلام خیانت نکرده اید، هر عمل شما این را ثابت میسازد که شما دوستان خداوند هستید.

ما حالات شما را شنیده متحیر شدیم که شب و روز در عبادت الله تعالی مصروف هستید، ازطرف روز، روزه گرفته و شب را به تلاوت قرآن و به نماز های تهجد سپری مینمایید. قسم به ذات یکتا که ما شما را دوستان واقعی الله تعالی میپنداریم.

ای مسلمانان! بیائید؛ همه قوت و طاقت خود را صرف نمائیم تا برادران و خواهران اسلامی را از تحت تجاوز درنده صفتان آزاد نماییم. ما به تمام مسلمانان جهان اعم از مجاهد، مهاجر، مظلوم و بیوه زنانیکه شوهران خود را در راه اعلای پرچم توحید قربان نموده اند و هر یتیمی که خون پدرش دفتر تاریخ اسلام را مزین نموده است و بالخصوص به اسراء اسلام؛ سلام مسنونۀ سرورکائنات و ناجی بشریت را به عنوان ''السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته'' از صمیم قلب تقدیم میداریم.

برادر شما ابو ابراهیم آلمانی سخنان خود را با تلاوت آیۀ کریمه خاتمه می بخشد: (وَلاَ تَهِنُوا وَلاَ تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ). (آل عمران/۱۳۹)

غروب تجاوز و پیروزی بر هیولای غرب در افغانستان

جهاد مردم افغانستان علیه اشغالگران خونخوار و جنایت پیشه که حکومت مزدور کرزی را روی کار آورده و رهبری میکند صاف و ساده از ارادۀ فرد فرد مردم سرچشمه گرفته است.

بعد از اشغال کشور توسط هیولای جهانخوار غرب تودۀ از افراد و احزابی که در قتل، کشتار، جنایات و مظالم ملت، تاریخ چندین ساله داشتند، تجاوز ناروای اشغالگران آمریکائی را خوش آمدید گفته و برای پیشی گرفتن یکی از دیگری در بدست آوردن و حصول آبرو و اعتبار در نزد سردمداران دیرینه هر گونه اعمال زشت و ضد انسانی تجاوزگران را تائید نموده و برای دریافت پول و مقام از امضاء هرگونه توافقنامه و قرارداد در بدل فروش دین، خاک و ناموس کشور و ملت دریغ نمی ورزیدند.

اشغالگران که برای تائید تجاوز بیشرمانۀ خویش نیاز به شرکت و تائید آنها داشت، وعدۀ هرگونه منصب، مقام و زندگی آمریکائی بعد از زمان اشغال را برایشان سپرده و آنها را همانند یک ربات و ماشین در خدمت گرفت. یکی از این قراردادهای ننگین و شرم آور امضاء توافقنامۀ است که عبدالله عبدالله بحیث وزیر خارجه در حکومت مزدور انتقالی آنوقت انجام داده که بادار خارجی و نظامیان آنها را از هرگونه پیگیرد عدلی، قضائی در برابر قتل و کشتار مردم عام ملکی معاف نمود، در این سند تائید گردیده که افراد و اشخاص خارجی ملکی و نظامی کشورهای تجاوزگر از هرگونه پیگیرد عدلی و قضائی معاف میباشند، یعنی اینکه آنها میتوانند هر وقت و هرکس را که خواسته باشند گرفتار، زندانی و قتل نمایند و هیچ شخص، گروه و ارگانی حق بازجوئی دراین مورد را ندارد حتی اگر شخص گرفتار، زندانی و به قتل رسیده بیگناه باشد و اکنون ادارۀ کرزی میخواهد این توافقنامه را تجدید و تائید نماید، اینها نمونه ها و مثالهای زندۀ از تعداد محدودی از اجیران و غلامان حلقه بگوشی هستند که میخواهند خواست، درک و دیدگاه مزدورگرایانۀ خود از جامعه و جهان را بر قاطبۀ مردم تحمیل کرده و با در دست گرفتن قدرت دولتی، پولیس و اردو به سرکوب بی امان و خونین مخالفین بالقوۀ خود بپردازند.

مزدوران و تجاوزگران هرشخصیت دینی، اجتماعی و سیاسی را که نظر و عقیدۀ اسلامی و خلاف تجاوز و اشغال را در عمل و ذهن دارد دشمن به حساب آورده و درتلاش دستگیری و کشتار، تک، تک آنها بر آمده، شب وروز با یورشهای بی مورد و ظالمانۀ خویش مردم و مجاهدین را بیگناه گرفتار نموده و به شهادت میرسانند و اکنون بعد از یازده سال تلاشها و مظالم شبانه روزی که در نتیجۀ آن ده ها هزار تن بشمول زنان، کودکان، سالخوردگان ، جوانان این وطن شهید گردیده ولی از قیام، مقابله و مقاتلۀ این مردم با تجاوزگران و مزدوران آنها کاسته نشده بلکه با گذشت هر روز، ماه و سال فزونتر و وسیع تر گردیده است و بنابر اعتراف ناتو؛ مجاهدین هر ساله نسبت به سال گذشته از لحاظ نیروی محاربوی، حمایت مردمی و امکانات مادی سه برابر قوی میگردند، درک و تائید این حقایق مزدوران داخلی و اشغالگران را از افغانستان و کشور سازی درآن ناامید ساخته و در یک اقدام عجولانه و ضد قوانین اسلامی و انسانی و در نتیجۀ ناامیدی، شروع به اعدام جوانان مظلوم و اسیرانی نمود

که در مقابل تجاوز کفار جهاد نموده و توانسته بودند تعدادی از این اشغالگران و مزدوران وابسته به آن را کم نمایند، و اکنون دشمن در مایوسی از اوضاع پیش آمده در کشور اقدام به شهادت و به دار آویختن آنها نمود از سویی هم این حرکت حکومت مزدورکنونی در پی پیاده کردن برنامه هایی شد که نسخهٔ بدل برنامه های حزب کمونیست دیروزی زمان شوروی بود.

و بدینسان است که نیاز رویارویی و قیام در برابر این نظام جنایتکار، بیخدا و ضد ملی در نهاد مردم کشور با گذشت هر روز نیرو گرفته و مشروعیت مقدس داشته و دارد.

در حکومتی که ساختار و تشکیلات آن را جنایتکاران، قاتلان و مفسدان کشور تشکیل داده باشند، چگونه میتوان با اعدام چند تن از غازیان وطن، عدالت اجتماعی را تامین کرد.

اگر عدالت اجتماعی در اعدام و به شهادت رساندن چند مجاهد تامین میشد، پس چرا در مدت یازده سال گذشته تاکنون ما هیچ نشانهٔ از تامین عدالت در حکومت مزدور ندیدیم، عدالت اجتماعی را باید با جواب دادن به سئوالات ذیل تامین کرد نه با شهادت چند زندانی مظلوم؟!!!

چرا طیارات ناتو- امریکا بمباردمان خانه ها، قریه ها، محلات وگردهمائی های مردم را ادامه میدهند و نیروهای زمینی بدون تمیز به خانه ها و محلات کار مردم ملکی حمله میکنند؟

چرا به درخواست های نمایشی همدست ناتو به اصطلاح رئیس جمهور کرزی جهت توقف بمباردمان خانه های مردم اهمیت داده نمیشود؟

وبلآخره با دانستن آنکه کشتارمردم ملکی، همه اعضای یک فامیل به شمول اطفال، مادران و پیران، مردم محل را متنفر ساخته بطور وسیع خصومت بار میآورد باز هم نظامیان ناتو- امریکا نمی پذیرند تا تکتیک و ستراتیژی خود را تغییر دهند؟

اما برعکس کشتار مردم با بیتفاوتی تمام ادامه دارد. تنها یک نظامیکه درمحیط ملکی متخاصم عملیات جنگی را پیش می برد چنین می پندارد که درعقب دروازهٔ هر خانه یک (دشمن) مسکن دارد و اینکه هر فامیل جنگجویی را پناه داده است پس بهتر است (داخل برای فیر کردن بروم) از اینکه خطر گلولهٔ را به شکم خود قبول کنم. (تصادفات جنگ) به ندرت واقع نه شده بلکه در طول یازده سال تمام مملکت را احتوا کرده است. کشتار مردم ملکی نتیجهٔ جنگ استیلاگرانهٔ استکبار برضد مردم است. پیلوت ها و نیروهای زمینی اعتراف میکنند که آنها نیروی متخاصم خارجی اند که حضورشان ناشی ازامر جنرالان و سیاستمدارانی است که با طرح انتزاعی به گفتهٔ آنها (تروریست ها با القاعده ارتباط دارند) مصروف میباشند، بدون آنکه شبکهٔ وسیع روابط شخصی و همبستگی بین نیروهای مقاومت و مردم ملکی را در افغانستان مدنظرگیرند.

ستراتیژیست ها درنتیجهٔ کار با کتگوری های خیالی خانه های متصل بهم و قلعه های مردم را (مخفیگاه)، مراسم خانوادگی را (مجلس تروریستان) وکاروانهای تجارتی را (قاچاقبران تروریست) برچسپ میزنند.

منافع متضاد سیاستمداران امپریال، جنرالان، ستراتیژست ها و افسران از یک طرف و سکنه ملکی و مقاومت از طرف دیگر فاصلهٔ وسیعی بین حق و باطل را آشکار میکند.

هرقدر تعداد مقتولین ملکی و به اصطلاح جنگجویان زیاد باشد به همان اندازه افسران امپریال که مشتاق گرفتن ترفیع، جایزه و امتیازات تقاعد اند رتبه می گیرند و ارتقاء میکنند. (موفقیت) طبق نظر جهان امپریال بطور بین المللی توسط تعداد فرمانروایان وابسته به ایشان و درسویهٔ ملی نظر به تعداد بیرق های که روی نقشهٔ جنگ بالای شهرهای تسخیرشده سنجاق میشود و درسطح محلی نظر به تعداد اجساد فامیل های که به قتل میرسند اندازه میگردد.

از ملیونها نفر در حلقه های خصوصی فامیلی، درقوم و قبیله جاییکه سوگواری و خشم یکجا باهم است مقاومت با اشکال گوناگون آن آشکار میگردد. تعهد به جهاد، تعهد به قیام در برابر تجاوز، تعهد به قربانی، تعهد به جنگ، بیحرمتی مقدسات و تحقیرهر روز بالای جوانان، پیران، زنان و مردان درخانه ها، مارکیتها و راه ها تاثیر کرده تعداد شان را به ملیون ها نفر میرساند. نگاه خیره و خصمانهٔ مادریکه طفلش را ازشرعساکر اشغالگری که به خانهٔ شان هجوم آورده به آغوش پناه داده گویای صدای واقعی مجاهدین اسلام است که خواهان هرچه زودتر و سریع تر خروج عساکر از خانه و کشور هستند. خلاصه غرب طی ۱۱ سال اخیر کلیه زیر ساخت های نظامی، اقتصادی و فرهنگی موجود در افغانستان را زیر و زبر و دگرگون ساخت که پیروزی بزرگی را نصیب شوند، اما یگانه دست آوردی که بعد از یازده سال قتل عساکر و صرف دالر نصیبش می شود شکست و خروج از افغانستان در حالت شرمساری و پشیمانی خواهد بود و بس.

اکنون برای ترک گفتن افغانستان همه روزه اعلامیه های رسمی صادر میکنند و اینست ما نمونه و مثال آنرا در پارلمان سنای آمریکا به چشم سر مشاهده نمودیم که در یک نامه و اعلامیه از بارک اوباما خواستار خروج و ترک هر چه سریعتر نظامیان و عساکر آمریکائی از افغانستان شده بودند. این کار به خاطری انجام میشود که تا از یک طرف نظامیان و عساکر روحیهٔ باختهٔ شان را مورال داده و به حصول پیروزی مطمئن سازند. از جانب دیگر در ذهن مردم جا دهند که تجاوزگران برای اشغال و تسخیر افغانستان نه بلکه برای آبادی و عمران آن آمده بودند و اکنون بعد از انجام این ماموریت میخواهند به سلامتی و حصول پیروزی در افغانسان نزد عاشقان در دیارشان برگردند.

پیروزی های تجاوزگران اشغالگر طی حدود ۱۱ سال علاوه بر مظالم قتل، کشتار و جنایات بشری و بی حرمتی به دین، قرآن و فرهنگ مسلمانان بالخصوص ملت مسلمان افغانستان عبارت اند از: ایجاد دولت دست نشانده و مزدور، شورا های گونا گون، نهاد های مدنی غرب گرا، ترویج دین، آئین یهودیت و عیسویت در لباس ان جی او ها، سازمان های استخباراتی و پایگاه های نظامی که احتمالا با جابجا کردن حدود سی تا ۴۰ هزار سرباز در پایگاه هایی که ساختمان آن صد ها ملیون دالر هزینه برداشته است؛ ایجاد و نیرومندی گروپ های جنایتکار و متعصب قومی و امثال اینها.

اما پیروزی اشغالگران در افغانستان یک خیال واهی و پوچ بوده و خواهد بود. بازهم یگانه راه برون رفت ازین بحران پیچیدهٔ تحمیل شده، همانا جهاد مسلحانه، وحدت و همبستگی تمام نیروهای ملی، وطن پرست، ترقی خواه مردم است و بس. بیائید باهم یکجا و یکسو و همپیمان شویم و این طلسم شوم سیاه استعمار کهن و نوین که بسان غول و هیبت شب های تار بر سرزمین ما بال و پر گسترانیده است؛ درهم شکنیم.

(حبیب الله هلال)

از صحنه های جهاد



1 محرم ـ 15 نومبر:

مجاهدین دو ترجمان نیروهای ناتو در افغانستان را با ضرب گلوله کشته اند. این دو ترجمان زمانی کشته شدند که برای کار روزمرۀ شان در قرار گاه ناتو در ولایت لوگر می رفتند.

3 محرم ـ 17 نومبر:

یک آتش سوزی در جریان محفل عروسی در ولسوالی اندر غزنی رخ داد، که در نتیجه هژده زن و کودک سوخته اند.

رییس جمهور کرزی و آیساف انفجار روز گذشته در ولایت فراه را که در آن 17 نفر کشته و 9 نفر دیگر زخمی شدند، تقبیح کردند.

در انفجار یک ماین کنار سرک در ولسوالی پشترود ولایت فراه حداقل هفده تن کشته شدند. ونه تن دیگر زخمی شدند.

اسراییل: ده ها راکت توسط گروه حماس به جنوب اسراییل آتش شد که در نتیجۀ آن سه فرد ملکی در اسراییل کشته شدند. این حادثه در شهر کریات در 25 کیلومتری شمال غزه رخداد. از آغاز عملیات اسراییل در روز چهار شنبه تا حال این اولین قربانی اسراییل بشمار می رود. در حملات روز چهارشنبه اسراییل بر غزه 13 نفر از جمله احمد الجعبری قوماندان شاخۀ نظامی حماس بنام لوای عز الدین القسام کشته شد.

مصر: در اثر یک حادثۀ ترافیکی در مصر، 47 کودک کشته شده، و13 تن دیگر زخمی شدند.

5 محرم ـ 19نومبر:

کاروان موتر های والی و قوماندان امنیۀ ولایت هلمند در یکی از مناطق هلمند هدف حمله قرار گرفت. و در این رویداد، سه پولیس کشته و دو تن زخمی شدند.

انفجار یک ماین جاسازی شده در کنار سرک در بازار ولسوالی بلخ ولایت بلخ، یک تن را کشت و چهار تن دیگر را مجروح ساخت. واین ماین در مقابل یکی از نمایندگی های کابل بانک در این ولسوالی جاسازی شده بود.

معاون والی جوزجان به رادیو آزادی گفت: دو تن از انجنیران که یکی آن تبعۀ بنگله دیش و دیگرش افغان می باشد، هنگامی از سوی مخالفان مسلح ربوده شدند که از شهر شبرغان ولایت جوزجان به سوی اندخوی ولایت فاریاب می رفتند.

اسراییل: در اثر حملۀ هوایی نیروهای اسراییل، ده فرد ملکی در نوار غزه کشته شدند، از سوی دیگر اوباما گفت: واشنگتن به طور کلی از حق اسراییل برای دفاع از اتباع اش در مقابل حملات راکتی از غزه، حمایت می کند.

پاکستان: در اثر حملۀ انفجاری که دیروز خارج از یک مسجد شیعه ها در شهر کراچی رخ داد، دو نفر کشته شده و حد اقل ده تن دیگر جراحت برداشتند. واین بمب که در یک موتر سایکل جا به جا شده بود.

در اثر یک انفجار یک عسکر آیساف در جنوب افغانستان کشته شد، بر اساس گزارشها، در جریان امسال، تا به 380 سرباز خارجی در حوادث گونه گون در افغانستان کشته شده اند.

7 محرم ـ 21 نومبر:

انفجار یک ماین در ولایت فراه نور محمد قوماندان پولیس را کشته و یک محافظش را زخمی ساخت. نور محمد یکی از قوماندانان محلی طالبان بود که چندی پیش به پروسۀ صلح پیوسته و قوماندۀ یک پوستۀ امنیتی پولیس را در بالابلوک این ولایت بر دوش داشت.

در اثر درگیری میان دو خانواده در ولسوالی کامۀ ولایت ننگرهار، 2 تن کشته و 2 تن دیگر زخمی شدند. این درگیری بر سر یک چاه آب در منطقۀ میتاخیل این ولسوالی رخ داده است.

هند: در نتیجۀ ازدحام در یک مراسم مذهبی در ایالت بیهار در شرق هند حداقل 14 تن به شمول 6 کودک کشته شدند. ودر این حادثه 20 تن دیگر زخمی شده اند که وضعیت صحی 6 تن آنها وخیم می باشد.

8 محرم ـ 22 نومبر:

یک سرباز پولیس در نتیجۀ انفجار ماین کنار سرک در ولسوالی احمد آباد ولایت پکتیا زخمی شد، طالبان مسوولیت انفجار را به عهده گرفته و گفته اند تلفات سنگینی به نیروهای افغان وارد شدند.

چهار تن از اعضای یک خانواده در منطقۀ لوار ولسوالی سمکنی ولایت پکتیا از سوی افراد مسلح ناشناس کشته و یک تن دیگر زخمی شده است. دو ماه پیش نیز در ولسوالی یادی ولایت پکتیا 3 تن از اعضای یک خانواده از سوی افراد مسلح ناشناس کشته شده بودند. در نتیجه یک حملۀ استشهادی در مربوطات سرک دهم وزیر اکبرخان شهر کابل به گفتۀ رسانه های کفری دو تن کشته و سه تن دیگر زخم برداشته اند. ـــ

پاکستان: پولیس پاکستان می گوید: در یک حملۀ استشهادی در این کشور 23 تن کشته و 60 تن دیگر زخمی شدند. این حمله بر یک مراسم مذهبی شیعیان در راولپندی صورت گرفت. و دو بمب دیگر، در بیرون مسجد شیعیان در شهر کراچی انفجار کرده شدند. پولیس گفت: در این حادثه حداقل یک تن کشته و چندین نفر دیگر زخمی شدند. در یک حملۀ بمبی در کویته مرکز بلوچستان امروز چهار شنبه پنج تن به شمول سه عسکر کشته شدند. حدود 15 تن دیگر در این انفجار زخمی شده اند. وضعیت برخی از زخمی ها وخیم است.

یونان: یک بمب کوچک در بیرون از خانۀ یک معاون خارنوال در مرکز یونان انفجار کرد. پولیس گفت : گزارشي در مورد زخمي شدن کسي به اثر این انفجار پخش نشده است. اما چندین خانه و موتر آسیب دیده اند. در جریان سال هاي اخیر چندین بمب کوچک در یونان انفجار کرده اند.

اسراییل: در یک سرویس در مقابل قرارگاه اردوی اسراییل در تل ابیب یک انفجار رخ داد. ادارۀ خدمات نجات اسراییل گفت: در این انفجار حد اقل 10 تن زخمی شدند و وضعیت سه تن از زخمی ها وخیم است. این انفجار در میان عملیات اسراییل بر جنگجویان حماس صورت می گیرد. در این عملیات بیش از 130 فلسطینی در غزه کشته شده اند. در نتیجۀ راکت های جنگجویان حماس بر اسراییل 5 اسراییلی به قتل رسیده اند.

اردوی اسراییل می گوید: یک راکت که از نوار غزه پرتاب شد یک عسکر ویک غیرنظامی اسراییلی را کشت.

9 محرم ـــ 23 نومبر:

در نتیجۀ یک حملۀ استشهادی در نزدیکی مرکز هماهنگی نیروهای نظامی در ولایت میدان وردک، حد اقل 3 تن کشته و 90 تن دیگر زخمی شدند. ذبیح الله مجاهدگفت: این حمله را به انتقام اعدام زندانیان توسط حکومت انجام داده اند.

سوریه: از آغاز شورش ها حد اقل چهل هزار تن در این کشور کشته شده اند.

10 محرم ـــ 24 نومبر:

در اثر یک حملۀ استشهادی در تورخم، چندین عسکر خارجی کشته شده و 5 محافظ یک قرارگاه نیروهای خارجی زخمی شدند.

مقامات در میدان وردک می گویند که در یک حملۀ استشهادی در این ولایت سه تن کشته و 90 تن دیگر زخمی شدند.

فلسطین: در اثر فیر عساکر اسراییل، یک فلسطینی شهید و دو نوجوان دیگر زخمی شدند.

11 محرم ـــ 25 نومبر:

به گفتۀ رسانه های کفری: در اثر حملۀ مجاهدین یک پولیس در ولسوالی حصارک ولسوالی ننگرهار جراحت برداشته است. اما ذبیح الله مجاهد ادعا کرده اند که در این حمله سه پولیس کشته شده اند.

نیروهای امریکایی از کشته شدن یک سرباز امریکایی در جنوب افغانستان خبر داده اند. بر اساس گزارش ویب سایت (آی کژولتی) در سال جاری میلادی 383 سرباز خارجی در افغانستان کشته شدند. در درگیری میان محصلان در پوهنتون کابل حداقل یک تن کشته و دو نفر دیگر زخمی شدند. این درگیری پس از آن صورت گرفت که محصلان سنی مذهب مانع اجرای مراسم عزاداری محصلان اهل تشیع در مسجد لیلۀ پوهنتون شدند.

یمن: مقامات می گویند: در نتیجۀ خشونت های روز عاشورا در شهر صنعا، حد اقل سه تن از شیعیان کشته شده اند.

چین: در نتیجۀ انفجار در یک معدن زغال سنگ در جنوب غرب چین دیروز شنبه 18 کارگر این معدن کشته شدند. و 5 تن دیگر آنها در معدن گیر ماندند. به اساس ارقام رسمی، در سال گذشته حدود 2 هزار نفر در حوادث در معادن زغال سنگ جان داده اند.

پاکستان: در دو حادثۀ ترافیکی در پاکستان حداقل 24 تن کشته شدند. وچندین نفر دیگر زخمی شدند. گزارش ها میرسانند که در نتیجۀ انفجار بمب که به هدف تجمع مذهبی شیعیان در شمال غرب پاکستان جا بجا شده بود، حداقل سه نفر کشته و 17 تن دیگر زخمی شدند. این انفجار در دیرۀ اسماعیل خان رخ داده است. این تلفات یک روز بعد از کشته شدن 7 تن به شمول چهار طفل در نزدیک تجمع شیعیان در همین منطقه، رخ داد.

امریکا: مقامات امریکایی می گویند: در نتیجۀ آتش سوزی در ساختمان اصلی وزارت خارجۀ این کشور در واشنگتن، سه تن شدیداً زخمی شده اند.

12 محرم ـــ 26 نومبر:

در نتیجۀ یک انفجار در مرکز ولایت خوست دست کم بیست و شش تن زخمی شده اند. در نتیجۀ دو انفجار پی هم در ولسوالی هسکه مینۀ ولایت ننگرهار دو پولیس زخمی شدند.

در یک خبر دیگر، صد ها تن از محصلان پوهنتون ننگرهار دست به تظاهرات زدند. آنان خواهان جلوگیری حملات کشور های همسایه، و بخشیدن حکم اعدام عبدالصبور شده اند. عبدالصبور سرباز اردوی ملی متهم به قتل چهار سربازی فرانسوی است. از سوی دو محکمهٔ نظامی در زندان پل چرخی کابل حکم اعدام وی صادر شد.

مصر: اخوان المسلمین مصر تایید کرده که یک عضوش در درگیری با مخالفان محمد مرسی رییس جمهور این کشور کشته شده است. واین در گیری چندین زخمی برجای گذاشتند.

سوریه: مخالفان سوریه کنترول یک قرارگاه هلیوکوپترها در شرق دمشق را بعد از یک حملهٔ تهاجمی به دست گرفتند.

روسیه: حد اقل هشت نیروی پولیس خاص وزارت داخلهٔ این کشور هنگامی جراحت برداشتند که می خواستند، نظم را در یک زندان در منطقهٔ کوهستانی اورال، برقرار کنند.

13 محرم ــ 27 نومبر:

مسولان امنیتی ولایت بلخ می گویند که دو دوختر یک خارنوال در این ولایت با خوردن زهر موش دست به خودکشی زدند.

14 محرم ــ 28 نومبر:

در نتیجهٔ انفجار یک ماین صبح امروز در ولسوالی نوزاد ولایت هلمند، چهار تن کشته شدند. در یک رویداد دیگر پنج تن از سوی مجاهدین در ولایت کنر نخست اختطاف وسپس به قتل رسانیده شدند. بر اثر انفجار یک ماین جاسازی شده در کنار سرک در منطقهٔ سنگ آتش ولسوالی مقر ولایت بادغیس، دو سرباز اردوی ملی کشته و 6 تن دیگر شان زخم برداشتند. این رویداد هنگامی رخ داد که یک رنجر اردوی ملی از منطقه میگذشت که با این ماین برخورد کرد.



سوریه: در نتیجهٔ دو انفجار در دامنه های دمشق حد اقل 20 نفر کشته و ده ها تن دیگر مجروح شدند. ماه گذشته در نتیجهٔ یک انفجار دیگر در این منطقه 11 نفر کشته شده بودند. فعالان سیاسی تخمین میکنند که از زمان آغاز قیام ها علیه رژیم بشار الاسد در سوریه در ماه مارچ سال 2011 تا حال بیش از 40 هزار نفر در این کشور کشته شده اند.

عراق: در چندین انفجار در بغداد و شمال عراق حد اقل 19 نفر کشته و 71 نفر دیگر مجروح شدند. ودر نتیجهٔ انفجارها در بغداد و شمال عراق دیروز حد اقل 19 نفر کشته و 71 نفر دیگر مجروح شدند. مقامات عراق می گویند که سه موتر بمب در شمال بغداد در نزدیکی محل های عبادت شیعه ها انفجار شدند. سه موتر بمب دیگر در شهر نا آرام کرکوک انفجار کرد که یکی از آنها در پیشروی دفتر حزب دموکراتیک کردستان صورت گرفت. در بین تلفات افراد قوای امنیتی کرد هم شامل بودند.

15 محرم ــ 29 نومبر:

مقام های محلی در ولایت غزنی میگویند که یک سرباز پولیس ملی در منطقهٔ موی مبارک این ولایت از سوی زن و مادر زنش به قتل رسیده است. اخیرا سربازان و افسران پولیس ملی از سوی اعضای خانواده شان به دلیل آنچه حضورشان در صفوف ماموران امنیتی خوانده شده است مورد اذیت و آزار قرار می گیرند. پیشتر نیز یک افسر پولیس در ولایت هرات از سوی دختر و خانمش به قتل رسیده بود. در نتیجهٔ انفجار ماین در ولایت ارزگان 10 تن کشته و 8 تن دیگر زخمی شدند. مدیر اجرائیه ولسوالی چپرهار ولایت ننگرهار از سوی افراد مسلح ناشناس کشته شد.

عراق: پولیس عراق میگوید، در نتیجهٔ انفجار دو بمب کارگذاری شده در روی سرک، در شهر حِلهٔ عراق حد اقل شانزده تن کشته شدند. اکثر باشنده گان آن شیعه ها اند. وده ها تن دیگر زخمی شده اند.

16 محرم ــ 30 نومبر:

بر اثر انفجار یک حلقه ماین کنار جاده در قریهٔ عاشق وال از مربوطات ولسوالی اندر ولایت غزنی چهارتن جان باختند.

17 محرم ــ 1 دیسمبر:

آیساف میگوید: که شکرالله یکی از چهره های برجستهٔ جنبش اسلامی ازبکستان بادو تن دیگر شهید شدند. در اعلامیه گفته شده است که شکرالله حملهٔ فدائی 26 اکتوبر در شهر میمنه مرکز ولایت فاریاب را که در آن بیش از 40 تن کشته شدند، سازماندهی کرده بود. وهمچنان به شورشیان مسلح نیز آموزش می داد و در تهیهٔ مواد انفجاری به اعضای جنبش اسلامی ازبکستان و گروه طالبان دست داشت.

18 محرم ــ 2 دیسمبر:

ذبیح الله مجاهد گفت: پایگاه نظامی اشغالگران امریکایی در جلال آباد مورد حملات شدید مجاهدین قرار گرفت. در این حمله که ۱۸ تن از عساکر اشغالگر جان خود را از دست دادند، و حد اقل ۴۰ عسکر داخلی و خارجی زخم برداشتند و دشمن متحمل خسارات مالی سنگینی نیز شد. گفته میشود که در این عملیات دست کم ۲ بال طیارۀ دشمن منهدم گردیده است.

در این عملیات که ۱۲ تن استشهادی اشتراک کرده بودند برعلاوه از انفجار دو موتر راکت، پیکا وبم های دستی نیز توسط مجاهدین استعمال گردید.



شاهدان عینی گفته اند که آنان چندین طیارۀ امبولانس دشمن را دیدند که کشته شدگان وزخمیان این حادثه را نقل میدادند. در مراحل آخر این جنگ؛ مجاهدین این میدان را از خارج مورد حملات موشکی نیز قرار دادند که با استفاده از این فرصت ۵ تن از استشهادیان توانستند به سلامت از آنجا خارج شده وبه جای مصئون پناه ببرند.

بتاریخ مذکور: مسوولان محلی بادغیس میگویند: که در نتیجۀ درگیری، میان مجاهدین و پولیس ملی دو سرباز پولیس ملی و 2 محافظ امنیتی کشته شده اند. در یک رویداد، دیگر دو تن از کارمندان ریاست زراعت این ولایت در منطقۀ کاندلان شهر قلعه نو به قتل رسیده اند.

19 محرم ــ 3 دیسمبر:

مقام های محلی در ولایت ارزگان تایید کردند که در نتیجۀ یک انفجار، در برابر ریاست امنیت ملی این ولایت، پنج تن کشته و حداقل 9 نفر دیگر زخمی شده اند. سخنگوی قومندانی امنیۀ این ولایت گفت: که ماین در یک موتر سایکل جاسازی شده بود و زمانیکه موتر اردوی ملی از ساحه عبور می کرد، انفجار کرده است.



20 محرم ــ 4 دیسمبر:

بتاریخ مذکور: اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان از لت و کوب یک خبرنگار در ناحیۀ هشتم شهر کابل خبر دادند. به گفتۀ خبرنامه، حاجی ذبیح الله از خبرنگاران کهنه کار کشور زمانی که از منزل به سوی دفتر کارش در حرکت بوده، توسط افراد ناشناس مورد لت و کوب قرار گرفته است.

ایران: مقام های نظامی ایران گفته اند که یک طیارۀ بدون سرنشین امریکایی را به محض ورود به خاک این کشور، شکار کرده اند. پیشتر نیز یک طیارۀ بدون سرنشین امریکایی که از خاک افغانستان به پرواز در آمده بود، در اختیار گرفته بود.



21 محرم ــ 5 دیسمبر:

صربستان: برنیسلاو میلینکوویچ نمایندۀ صربستان در پیمان اتلانیک شمالی ناتو، خود را از چند طبقۀ پارکینک میدان هوایی بروکسل شهری که اجلاس ناتو در آن برگزار می شود، به پایین پرتاب کرده و جان داده است.

بتاریخ مذکور: مقام های محلی در ولایت غزنی می گویند که بر اثر انفجار نیرومند در نزدیک دروازۀ ورودی قومندانی امنیۀ ولایت غزنی، شش تن از ماموران امنیتی این ولایت زخمی شدند. و مواد انفجاری در یک بایسکل جاسازی شده بودند. این رویداد در نزدیک قومندانی امنیه و باختر بانک به حدی شدید بوده که خسارات هنگفت مالی به قومندانی امنیه و ساختمان باختر بانک وارد کرده است.



فلیپین: براساس تازه ترین گزارش ها، ده ها تن بر اثر جاری شدن سیل در فیلیپین جان باخته اند و گفته می شود که آمار قربانیان در حال افزایش است. تاکنون دست کم ۴۳ نفر از ساکنان انداپ براثر سیل، جانشان را از دست داده اند. فیلیپین از کشورهایی است که پیش از این نیز شاهد سیلاب های مرگباری بوده است؛ سال گذشته توفان موسوم به (واشی) بیش از ۱۵۰۰ نفر را در جنوب فیلیپین کشت.



22 محرم ــ 6 دیسمبر:

مقام ها در ریاست امنیت ملی میگویند؛ فردی که می خواست اسدالله خالد، رییس عمومی امنیت ملی را از بین ببرد، آورندهٔ پیام صلح طالبان برای دولت افغانستان بوده است. این شیوه برای ترور مقام های عالی رتبه در افغانستان سال گذشته نیز در رویداد ترور برهان الدین ربانی، رییس پیشین شورای عالی صلح، به کار گرفته شد.

بتاریخ مذکور: ذبیح الله مجاهد گفت: اشغالگر آیساف یکبار دیگر مردم بیگناه را مورد حملات هوایی خود قرار داده وبه شهادت رسانیدند. مزدوران داخلی در ولایت نورستان اعتراف کردند که بادارن خارجی شان



حد اقل ۵ تن یک خانواده را در ولسوالی وانت وایگل این ولایت در اثر حملهٔ هوایی بر خانهٔ شان به شهادت رسانیده اند.

بتاریخ مذکور: مقام های محلی در ولایت غزنی می گویند که یکی از کارمندان ذخیره گاه قوماندانی امنیهٔ این ولایت بنام سردار محمد 19 میل تفنگچه، 8 میل کلاشینکوف و مقداری مهمات را از قومندانی امنیهٔ این ولایت را دزدیده است.

بتاریخ مذکور: مقام های محلی در ولایت نورستان میگویند که طالبان در این ولایت به سلاح های پیشرفته دسترسی پیدا کرده اند. و هر وقت ماموران امنیتی را مورد حمله قرار میدهند.

قوماندان امنیهٔ ولایت نورستان به رسانه های کفری گفت که پس از چاشت روز گذشته بر اثر فیر گلوله توسط سلاح مجهز با دوربین موسوم به (دراز کوف) یک مامور پولیس کشته شده است.



پیشتر سه مامور پولیس و یک نظامی اردوی ملی توسط این نوع سلاح هدف قرار گرفته، کشته شدند.

۲۳ محرم ــ 7 دسمبر:

ذبیح الله مجاهد سخنگوی امارت اسلامی افغانستان میگوید که درندگان افغانی و امریکایی طی یک عملیات وحشیانه در ولسوالی خوگیانی ولایت ننگرهار حد اقل ۷ تن را شهید، یکتن را زخمی و هفت تن دیگر را اسیر نموده به پایگاه شان انتقال دادند.

24 محرم ــ 8 دیسمبر:

در ولسوالی باک ولایت خوست، بر اثر انفجار ماین کنار جاده، دو نظامی اردوی ملی کشته و چهار تن دیگر زخم برداشتند. در یک رویداد دیگر؛ قوماندان امنیهٔ ولایت خوست به رسانه های دولتی گفت: در منطقهٔ صحرا باغ مرکز ولایت خوست، طالبان به یک کاروان پیادهٔ نظامیان خارجی حمله کردند، که در نتیجهٔ درگیری سه نظامی خارجی کشته شدند.بااین حال، مجاهدین با نشر اعلامیه گفته است که در این درگیری، 9 نظامی خارجی را کشته شدند.



مجاهدین در ولسوالی مذکور یک جاسوس دولت را سربریدند.



بتاریخ مذکور: مقام های محلی در ولایت غزنی می گویند که در نتیجهٔ برخورد دو موتر مسافربری نوع 303 در مسیر شاهراه غزنی و قندهار، چهارده تن زخمی شده اند. پیشتر نیز در نتیجهٔ برخورد دو موتر مسافربری نوع 303 در منطقهٔ مذکور بیش از 50 تن کشته شده اند. گفته می شود این دو موتر، پس از برخورد، آتش گرفته و تمام مسافران آن در آتش سوخته اند.

25 محرم ــ 9 دسمبر:

درنتیجهٔ یک حملهٔ راکتی طیاره های جاسوسی دروزیرستان شمالی، عالم دین، مبلغ اسلام و استاد مجاهدین شیخ خالد حسینان مشهور به ابوزید کویتی رحمه الله، به نعمت عالی شهادت نایل گشت. نحسبه کذالک والله حسیبه.

مقام های نیروهای ناتو در افغانستان از آزادی دیلیپ جوزف، داکتر امریکایی ربوده شده از سوی طالبان خبر دادند. داکتر دیلیپ جوزف، در پنجم ماه دسمبر سال جاری توسط مجاهدین در ولسوالی سروبی ولایت کابل اختطاف شده بود. جنرال جان آلن تاکید کرد که این داکتر در حال حاضر در شفاخانه زیر مراقبت های صحی قرار دارد.

26 محرم ــ 10 دسمبر:

بنگلادیش: آتش سوزی که در پایتخت بنگلادیش به وقوع پیوست، مرگ 112 تن را در پی داشته است رسانه ها گزارش داده اند که این آتش سوزی در یک کارخانهٔ تولید لباس رخ داده که علاوه بر تلفات سنگین جانی، خسارات مالی هنگفت نیز در پی داشته است.



بتاریخ مذکور: سمنوال حاجی موسی رسولی قوماندان امنیهٔ ولایت نیمروز در ولسوالی ادرسکن ولایت هرات با چهار محافظش کشته شدند. مقام های محلی در ولایت نیمروز میگویند که رسولی، می خواست از هرات به ولایت نیمروز سفر کند که موتر حامل او با ماین کنار جاده برخورد کرد.

بتاریخ مذکور: مقام های محلی در ولایت لغمان تایید کردند که ناجیه صدیقی، سرپرست امور زنان این ولایت در تیر اندازی افراد مسلح ناشناس کشته شده است.

27 محرم ــ 11 دسمبر:

مجاهدین امارت اسلامی بالای ولسوالی برگمتال ولایت نورستان حمله نمودند. به گفتهٔ رسانه های دولتی در نتیجهٔ این حمله یک پولیس سرحدی کشته و یک تن دیگر آنان زخمی شده است.

28 محرم ــ 12 دسمبر:

مجاهدین در منطقهٔ آی پی در نزدیکی شهر میر علی چهار فوج پاکستانی را با ضرب گلوله کشتند.

سوریه: مقامات در سوریه میگوید: سه انفجار بزرگ در اطراف وزارت خارجهٔ این کشور رخداد، واین انفجار ها تلفات جانی و مالی به دولت این کشور وارد نمودند، اما از تعداد تلفات چیزی نگفتند.

29 محرم ــ 13 دسمبر:

به نقل از قول سخنگوی قومندان امنیهٔ ولایت هرات: در اثر حملهٔ مجاهدین بالای مرکز پولیس در ولایت مذکور حد اقل دو پولیس کشته شدند.

سخنگوی قومندانی امنیهٔ ولایت کنر میگوید: که طالبان بر یک پوستهٔ پولیس ملی حمله نمودند، که در نتیجه یک پولیس کشته شد، اما ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان این حمله را به عهده گرفته گفت: که درین حمله حداقل شش پولیس کشته شده و چندین تن دیگر زخم برداشتند.

رسانه های کفری میگویند: که در اثر یک حملهٔ استشهادی بالای ناتو در مرکز ولایت قندهار دو تن کشته شده وچهارتن زخمی شدند و دو سرباز اردوی ملی نیز مجروح شدند.

محاورهٔ تیر و شمشیر

سرّ حق تیر از لب سوفار گفت
تیغ را در گرمی پیکار گفت

ای پریها جوهر اندر قاف تو
ذوالفقار حیدر از اسلاف تو

قوت بازوی خالد دیده ای
شام را بر سر شفق پاشیده ای

آتش قهر خدا سرمایه ات
جنت الفردوس زیر سایه ات

در هوایم یا میان ترکشم
هر کجا باشم سرا پا آتشم

از کمان آیم چو سوی سینهٔ من
نیک می بینم به توی سینهٔ من

گر نباشد در میان قلب سلیم
فارغ از اندیشه های یأس و بیم

چاک چاک از نوک خود گردانمش
نیمه ای از موج خود پوشانمش

ور صفای او ز قلب مؤمن است
ظاهرش روشن ز نور باطن است

از تف او آب گردد جان من
همچو شبنم میچکد پیکان من

(اقبال لاهوری/۵۸)


جند الله